

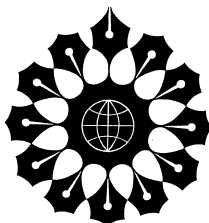


# تعلیم و تربیت در عصر ظهور (ویژگی های تربیت مهدوی)

ویژه برگزاری مسابقات فرهنگی



نویسنده: رحیم کارگر



نیازسنجی ملی محاسباتی آموزش

# تعلیم و تربیت در عصر ظهور (ویژگی‌های تربیت مهدوی)

رحیم کارگر

## فهرست

- ۱۴ . يك . فضیلت محوری و معنویت‌گرایی تربیت.....
- ۱۷..... مؤلفه‌های نظام تربیت معنوی .....
- ۲۰..... شاخصه‌ها و الگوهای تربیت فضیلت‌گرا .....
- ۲۰..... ۱. الگوی آماده‌سازی فکری .....
- ۲۱..... ۲. الگوی نشاط‌انگیزی درونی .....
- ۲۱..... ۳. الگوی توانا‌سازی روحی (تقویت روحی) .....
- ۲۱..... ۴. الگوی تغییر‌تدریجی .....
- ۲۱..... ۵. الگوی تحوّل‌بنیادین (تحوّل باطنی) .....
- ۲۲..... ۶. الگوی به‌گزینی (آراسته‌گرایی) .....
- ۲۲..... ۷. الگوی مسؤلیت‌آفرینی .....
- ۲۴..... ۸. الگوی اعتدال .....
- ۲۴..... ۹. الگوی عزّت‌بخشی .....
- ۲۵..... ۱۰. الگوی مهرورزی با معبود.....
- ۲۶..... دو. خردورزی و اصول‌گرایی تربیت.....
- ۳۱..... اصول تربیت بایسته.....
- ۳۱..... ۱. اصل ارجمندی و شرافت انسان .....
- ۳۲..... ۲. اصل مساوات و برابری انسان‌ها .....

۳۲.....	۳. اصل اراده و دانایی انسان.....
۳۳.....	۴. اصل چند بعدی بودن انسان.....
۳۳.....	۵. اصل جهت‌داری زندگی.....
۳۴.....	۶. اصل توانایی و ظرفیت انسان‌ها.....
۳۴.....	۷. اصل همت مضاعف و عمل صالح.....
۳۵.....	۸. اصل جهل‌زدایی.....
۳۶.....	سه. اصلاح‌گرا و تحوّل‌بخش بودن تربیت.....
۳۹.....	الگوهای اصلاح و تغییر.....
۳۹.....	۱. باورها و بینش‌ها.....
۳۹.....	۲. عادت‌ها و منش‌ها.....
۴۰.....	۳. خُلقیات و خصلت‌ها.....
۴۱.....	۴. ایده‌ها و ارزش‌ها.....
۴۱.....	۵. نیازها و خواسته‌ها.....
۴۲.....	۶. آداب و رسوم.....
۴۴.....	چهار. آرمانی و هدفمند بودن تربیت.....
۴۶.....	بایستگی هدفمندی در تربیت.....
۵۲.....	پنج. ولایت‌گرایی و امامت محور بودن تربیت.....
۵۶.....	مؤلفه‌های تربیت ولایی.....
۶۰.....	شش. فراگیری و چند بعدی بودن تربیت.....

- ۶۳ ..... بایسته‌های تربیت فراگیر.....
- یکم. تربیت، باید همه سنین و جنسیت‌ها را شامل بشود..... ۶۳
- دوم. تربیت شامل همه ابعاد و زوایای انسان باشد..... ۶۴
- سوم. تربیت همه خواسته‌ها و عواطف انسان را در نظر بگیرد. .... ۶۵
- چهارم. تربیت، دنیا و آخرت را با هم در نظر بگیرد. .... ۶۶
- هفت. آیینی و دین‌گرا بودن تربیت..... ۶۸
- ویژگی‌های تربیت دینی ..... ۷۱
- جایگاه واقعی تربیت دینی ..... ۷۲
- هشت. تعادل بخش و اعتدال‌گرا بودن تربیت ..... ۷۶
- دو بعد مهم عدالت ..... ۸۳
- نه. قدسی و الهی بودن تربیت..... ۸۶
۱. اثرگذاری معنوی تربیت..... ۸۹
۲. خداگرایی تربیت ..... ۹۰
۳. انسان‌سازی تربیت ..... ۹۱
۴. تقویت بعد روحانی و عرفانی انسان ..... ۹۲
۵. تقویت بعد فرجام‌گرایانه زندگی ..... ۹۴
- ده. شکوفاکننده و کمال‌گرا بودن تربیت ..... ۹۵
- یازده. مشفقانه و مردم‌گرا بودن تربیت ..... ۱۰۰

دوازده. پویایی و منعطف بودن تربیت .....	۱۰۴
سیزده. جامع و بنیادی بودن تربیت .....	۱۰۶
۱. رویکرد هدایت گرایانه .....	۱۰۷
۲. رویکرد تعالی بخشی .....	۱۰۷
۳. رویکرد تحول گرایانه .....	۱۰۷
۴. رویکرد بهسازانه .....	۱۰۷
۵. رویکرد مشکل زدایانه .....	۱۰۸
۶. رویکرد درمان گرایانه .....	۱۰۸
۷. رویکرد بشارت گرایانه .....	۱۰۸
منابع .....	۱۱۲



ویژگی‌های تربیت مهدوی





## مقدمه

یکی از پرسش‌های اساسی در مورد «عصر ظهور»، چگونگی تعلیم و تربیت مهدوی و امکان اصلاح اخلاقی و تغییر و تحولات روحی و معنوی در انسان‌ها و دوری آنان از معصیت، فسادگری، جنایت و بیداد است؛ یعنی، آیا انسان‌ها واقعاً خوب و صالح می‌شوند و در چه ابعادی امکان الگوبرداری از آن وجود دارد؟

بر اساس روایات پاسخ این سؤال، روشن و مثبت است؛ یعنی، در سایه تعلیم و تربیت و دانایی و پارسایی، آنان گام در جاده راستی و درستی می‌نهند و به رشد فکری و اخلاقی می‌رسند. در واقع اصلاح کامل و همه جانبه رفتار، اخلاق، پندار و گفتار انسان‌ها به دست امام زمان علیه السلام و در پرتو دولت اخلاقی مهدوی صورت می‌گیرد و جلوه‌های ویژه‌ای از تعلیم و تربیت دینی آشکار می‌شود.

بیان چرایی و چگونگی این دگرگونی روحی و انقلاب اخلاقی، می‌تواند راهگشای بسیاری از پژوهش‌ها و رویکردهای معرفتی دربارهٔ امکان اصلاح انسان و رفع مشکلات عدیدهٔ بشر و تعلیم و تربیت او در همه سطوح باشد. بحث تعلیم و تربیت، منحصر در فعالیت‌های رسمی آموزش و پرورش - آن هم در سطح گروه سنی کودک و نوجوان - نیست؛ بلکه انسان در هر حال نیاز به تعلیم و تربیت دارد و این رسالت عظیم پیامبران و امامان بوده است. در نگاه روشن‌بینانه ادیان آسمانی، مهم‌ترین مانع رشد و تعالی انسان و فرورفتن وی در کاستی‌ها و ناراستی‌ها، عدم تعلیم و تربیت صحیح و الهی است و تنها راه نجات و سعادت او، قرار گرفتن تحت تعلیم

و تربیت دینی است. تعلیم و تربیت صحیح و واقعی، در صدر اسلام و به دست نبی مکرم و عترت پاک او، به اوج رسیده و در عصر ظهور و به دست امام زمان علیه السلام، شکوفا و بارور می شود؛ یعنی، انسان در پرتو رشد فکری و اخلاقی راه کمال و سعادت را می پویید و از گردنه های سخت کژی و انحراف عبور می کند. دست رحمت و نجات بخش الهی، انسان ها را از ورطه فساد و تباهی خارج می کند و در ساحل معنویت و نورانیت قرار می دهد.

انسان تربیت یافته و خردورز، پیشوایی و امامت منجی موعود را مغتنم شمرده و به آن می بالد. در پرتو ارشاد و هدایت گری او، روحی تازه در کالبد قلوب مرده و طغیانگر دمیده می شود و زخم های ناراستی و شهوت آلودگی جامعه منحط، ترمیم می شود و...

آری، جهان با تمام وجود، باید در انتظار نجات بخش بزرگ و هدایت گر موعود باشد و برای آن «روز رهایی»، خود را آماده کند.

صاحب آدینه های عاشقان کی می رسد؟	آفتاب عالم آرای جهان کی می رسد؟
تا به کی در انتظار خسرو خوبان بگیریم	مؤدۀ اذن الهی، زآسمان کی می رسد؟
شعله های اشتیاق اندر دلم پر می کشد	رونق افزای بهارستان جان کی می رسد؟
دیده گلگون هستی، تشنه دیدار اوست	آن نکو روی تبار عرشیان کی می رسد؟

امید آنکه خداوند چشم بصیرت ما را بر حقایق هستی - به خصوص حکمت های غیبت ظهور مصلح کل - بازگشاید و ما را از منتظران واقعی، دوست داران خالص، پذیرندگان عارف و رهپویان راه او قرار دهد و بر دانایی، پارسایی، عقلانیت، معنویت و ایمان ما بیفزاید.

رحیم کارگر

پیش درآمد

تعلیم و تربیت در عصر انتظار، به یقین باید براساس اندیشه کامل و جامع مهدویت و بهره‌مندی از معارف و ذخایر بی‌کران علمی آن باشد؛ یعنی، الگوی اصلی آن، آینده‌نگرانه و مبتنی بر آموزه‌های تربیتی «مهدویت» باشد. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ، يَتَوَلَّى  
وَلِيَّهُ وَيَتَّبِعُ مَنْ عَدُوَّهُ وَيَتَوَلَّى الْأَثَمَةَ الْهَادِيَةَ مِنْ قَبْلِهِ، أُولَئِكَ  
رُفَقَائِي وَذُؤْوَاؤِي وَمَوَدَّتِي وَآكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ»؛ «خوشا به حال  
کسی که قائم اهل بیت مرا درک نماید در حالی که قبل از قیام او،  
از او پیروی می‌کند، دوست او را دوست می‌دارد و از دشمنش  
بیزاری می‌جوید و ولایت امامان هدایت‌گر قبل از او را دارا  
می‌باشد. آنها رفقای من و صاحب مودت و محبت من می‌باشند  
و برای من، گرامی‌ترین امت من هستند».

و در روایت دیگری «یأتّم به فی غیبتہ قبل قیامة...»؛ «و هو مقتد به قبل قیامة یأتّم به و بأئمة الهدی من قبله...» آمده است که نشانگر لزوم اقتدا و تأسی به امام زمان است و این امر جامعه منتظر را در مسیر جامعه آرمانی قرار می‌دهد، زمینه‌ها و بسترهای لازم را برای شکل‌گیری جامعه موجود فراهم می‌سازد و به عنوان جامعه صالح، در تحقق اهداف و برنامه‌های جهان شمول اسلام می‌کوشد.

شناخت این ویژگی‌ها و الگوها- که اصول راهبردی در تربیت انسان‌ها به شمار می‌رود- راه‌های نوینی را برای استفاده از شیوه‌های مناسب تربیتی می‌گشاید و در ضمن در تربیت نسل منتظر و شکل‌گیری جامعه منتظر نقش اساسی ایفا می‌کند.

نسل منتظر، نسلی است که سه راه اساسی فراروی خود دارد:

۱. در انتظار ظهور منجی موعود و تشکیل حکومت جهانی مهدوی است؛
۲. خود و جامعه را در مسیر و طریق شکل‌گیری آن جامعه موعود قرار می‌دهد؛
۳. وظایف و مسؤولیت‌های دشوار و سنگین خود را در عصر غیبت می‌شناسد و به آنها پایبند است.

تربیت این نسل، تنها در سایه سار اندیشه متعالی مهدویت و انتظار پویا امکان‌پذیر است و نظام‌های تربیتی فعلی، توان انجام آن را ندارند. در این راستا با مراجعه به «آموزه مهدویت»؛ به خوبی می‌توان الگوهای لازم را

---

۱. ینابیع المودّة، ص ۴۹۳.

۲. همان.

برای تربیت چنین نسلی به دست آورد. در این قسمت، تنها به بخشی از نظام تربیتی مهدوی می‌پردازیم و الگوهای چند از آن ارائه می‌دهیم.

## يك . فضیلت محوری و معنویت گرایی تربیت

تربیت . چنان که گذشت . به معنای وسیع کلمه عبارت است از: هر عمل یا فعالیتی که واجد اثر سازنده بر روی جسم و روح و شخصیت و یا شایستگی مادی و معنوی فرد باشد. در این معنا تربیت «فرآیندی است پیوسته که روند آن از آغاز انعقاد نطفه در رحم مادر شروع و تا زمان مرگ ادامه می یابد». به عبارت دیگر انسان در سراسر زندگی به یادگیری و تجربه اندوزی عمدی و غیرعمدی می پردازد و تحت تأثیر متقابل محیط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود قرار می گیرد. تربیت، باعث می شود که انسان دارای خصایصی انسانی از قبیل کرامت، عزت، احترام، شجاعت، نوع دوستی، حکمت، عدالت و عمل گردد. تنها تعلیم و تربیت در جامعه سالم است که انسان را واجد خصایص ذکر شده می کند و این مهم ترین کارکرد تعلیم و تربیت دینی است. البته در تربیت و اخلاق اسلامی، برای انسان سه نوع فعالیت شناخته می شود:

۱. فعالیت طبیعی؛

۲. فعالیت عقلانی؛

۳. فعالیت اخلاقی.

مهم‌ترین فعالیت تربیتی اسلام، فعالیت اخلاقی و هنجاری است؛ یعنی، انتقال و تثبیت ارزش‌ها و باورها و فضایل اخلاقی و ایمانی و نهادینه کردن معنویت‌گرایی و فضیلت‌محوری در جامعه. زیربنای تعلیم و تربیت اسلامی، پرورش ظرفیت‌ها و توانایی‌های روحی و معنوی انسان‌ها، جهت زندگی سالم و بهینه‌سازی فعالیت‌های طبیعی و عقلی است. این دو فعالیت و رویکرد، بدون داشتن رنگ و بوی الهی و معنوی، عموماً سرازیر به بیراهه در می‌آیند و انسان را گرفتار رفتارهای زودگذر، خشک و بی‌روح، سودانگاران و ... می‌کنند. البته روشن است که فعالیت عقلانی، ممیز بین انسان و حیوان بوده و محصول آن، فرهنگ، تمدن، علم و تکنولوژی است. در این مرحله هرگاه مانند فیلسوفان مادی غرب، انسان را فاقد ارزش‌های الهی بدانیم. به نحوی که هیچ چیز مانع و مُخَلِّ آزادی او نباشد و معتقد باشیم که چون انسان فطرتاً سودپرست است. لذا به اقتضای طبیعتش، قهراً بایستی در پی منفعت مادی خویش باشد و آن را به هر نحوی که امکان‌پذیر گردد، به دست آورد و در طریق تحصیل آن، توجهی به کشف حقیقت و غیر اخلاقی نداشته باشد و حتی حقوق دیگران را هم نادیده بگیرد و پایمال کند. در این صورت کاملاً روشن است که به علت تیزهوشی و زرنگی و فریب و نیرنگ برخی از انسان‌ها، چه روابط ناهنجاری بین افراد جامعه به وجود می‌آید!!

سودپرستی و قدرت‌طلبی، فشارهای غیر انسانی فوق‌العاده‌ای را به افراد ضعیف‌تر جامعه تحمیل می‌کند و زیر لوای تمدن و آزادی، عملاً قانون جنگل بر جامعه حاکم می‌گردد. حفظ حقوق انسان‌ها و احترام واقعی در روابط انسانی از بین می‌رود و انسان در مقام تحصیل لذت و سود



برای خویشتن، دیگران را فراموش می‌کند و حتی از حقیقت وجود ارزشمند خود هم بیگانه می‌شود.<sup>۱</sup>

گفتنی است، در تعلیم و تربیت مهدوی، نگاهی فراگیر و جامع به انسان‌ها می‌شود؛ اما شکوفایی بعد اخلاقی و معنوی او، حیاتی و اساسی است و همه فعالیت‌های تربیتی و فرهنگی، حول محور «کمال اخلاقی» و «زندگی اخلاقی» انسان دور می‌زند.

امام خمینی علیه السلام بنای حرکت‌های اصلاحی و تربیتی - به خصوص هدایت‌گری پیامبران - را اصلاح انسان و دگرگونی اخلاقی وی می‌داند:

«پیغمبرها آمدند آدم‌ها را درست کنند؛ کاری دیگر جز این ندارند. در طول زندگی‌شان، پیغمبرهای بزرگ و ائمه اطهار علیهم السلام دنبال این بودند که تربیت کنند مردم را، خدای تبارک و تعالی انبیا را فرستاده برای تهذیب مردم، برای اصلاح مردم».<sup>۲</sup>

و «انبیا هم برای همین معنا آمدند که آدم درست کنند. تعلیم سرمشق همه انبیاست که از طرف خدای تبارک و تعالی به آنها مأموریت داده شده [است]. مأموریت خدا به انبیا همین است که بیایند و آدم درست کنند و آنهایی که به انبیا نزدیک‌ترند، آنها به مقام آدمیت نزدیک‌ترند».<sup>۳</sup>

حضرت آیت الله خامنه‌ای درباره این نوع تربیت می‌فرماید:

«مردم را هدایت کنید؛ ذهن مردم را روشن کنید؛ مردم را به فراگرفتن دین تشویق کنید؛ دین صحیح و پیراسته را به آنها

---

۱. ر.ک: محمود نیکزاده، کلیات فلسفه تعلیم و تربیت، (تهران، کیهان، ۱۳۷۹)، صص ۷۳ و ۷۴.

۲. صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۵۸.

۳. همان، ص ۲۳۶.

تعلیم بدهید؛ آنها را با فضیلت و اخلاق اسلامی آشنا کنید؛ با عمل و زبان، فضیلت اخلاقی را در آنها به وجود بیاورید؛ مردم را موعظه کنید؛ از عذاب خدا، از قهر خدا، از دوزخ الهی بترسانید؛ انذار کنید- انذار سهم مهمی دارد؛ فراموش نشود- آنها را به رحمت الهی مژده دهید؛ مؤمنین و صالحین و مخلصین و عاملین را بشارت دهید؛ آنها را با مسائل اساسی جهان اسلام و با مسائل اساسی کشور آشنا کنید».<sup>۱</sup>

ایشان ارزش‌هایی که در پرتو تربیت اخلاقی منتقل می‌شود، چنین شمارش می‌کند:

«برخورداری از ارزش‌های اخلاقی اسلام بدین معنا است که روح فضیلت و پرهیزگاری و وارستگی و بردباری و اجتناب از شهواتِ ممنوع و دوری از حرص و آز و دنیاطلبی و حق‌کشی و نامردمی و مال‌اندوزی و روی آوردن به خلوص و پاکی و پارسایی و دیگر خصلت‌های اخلاقی در جامعه رواج یابد و به صورت ارزش‌های اصلی به حساب آید».<sup>۲</sup>

### مؤلفه‌های نظام تربیت معنوی

در این نظام برتر تربیتی- که به تمامی ابعاد و زوایای زندگی انسان‌ها به خصوص ابعاد ایمانی و اخلاقی او توجه ویژه‌ای می‌شود- مؤلفه‌های زیادی مورد توجه است؛ از جمله:

۱. شناخت خدا و یکتاگرایی (توحید)؛

---

۱. تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، ج ۱، ص ۱۱۲.

۲. همان، ص ۱۳۴.

۲. پرستش خدا و استعانت از او؛
۳. یاد خدا و خوف و خشیت از او؛
۴. انس و محبت به خدا و خشوع در برابر او؛
۵. شکرگزاری مدح و ثنای الهی؛
۶. التزام به اطاعت از خدا و اشتیاق لقای او؛
۷. هماهنگی با قوانین و سنن آفرینش؛
۸. ایمان به غیب و پیامبران الهی و اوصیای آنان؛
۹. ایمان به روز حساب و یاد جهان آخرت؛
۱۰. شناخت (معرفت نفس)؛
۱۱. شناخت بعد الهی و کرامت انسانی؛
۱۲. توجه به خویش جهت تزکیه و رشد معنوی و الهی؛
۱۳. کسب فضایل و مکارم اخلاقی در سایه ایمان به خدا و جهان آخرت (مثل امانت، صداقت، وفاداری، درست کاری و...)
۱۴. پیراستن روان از رذایل و عادت‌های مذموم؛
۱۵. ایجاد روحیه مراقبت از رفتار خود، ضبط نفس و حسابرسی خویش؛
۱۶. ایجاد روحیه نظم و انضباط و رعایت احکام و حدود دینی و اخلاقی؛
۱۷. ایجاد روحیه صبر و مقاومت در برابر شداید و مشکلات و تلاش برای حل آنها؛
۱۸. پرورش احساس تعهد و مسؤلیت در برابر خدا و خلق خدا؛
۱۹. پرورش عواطف در فرد به گونه‌ای که تنها برای خدا دوست بدارد؛
۲۰. تربیت و پرورش افراد برای بهره‌مندی بیشتر از طیبات الهی به منظور تأمین سلامت روحی و جسمی و سلامت و نشاط و نیرومندی؛

۲۱. شناخت و ترویج فرهنگ اسلامی؛
۲۲. پرورش نیروی اندیشه و تفکر و کسب و اشاعه دانش و تقویت روحیه علمی؛
۲۳. تأکید بر آشنایی با معارف قرآن و دیگر ذخایر گران بهای اسلامی؛
۲۴. بهره‌مندی از آداب و سنن تا آنجا که با فطرت الهی انسان، هماهنگ است؛
۲۵. ایجاد زمینه مساعد برای پرورش صحیح فرزندان در جهت رشد و شکوفایی استعدادهای آنان؛
۲۶. رعایت حقوق همه انسان‌ها و مراعات انصاف برخورد با آنان؛
۲۷. ایجاد روابط مهرآمیز و همراه با گذشت و فداکاری و ایثار با دیگر مؤمنان و مسلمانان؛
۲۸. تقویت روحیه تعاون در کارهای خیر، تقوا و تکامل اجتماعی؛
۲۹. ایجاد روحیه تفاهم و برادری میان مؤمنان و مسلمانان و تحکیم روحیه مساوات خواهی؛
۳۰. پرورش روحیه عدالت خواهی و داوری به حق و پذیرش آنان، هرچند که به زیان شخص باشد؛
۳۱. ایجاد روحیه دعوت به خیر و توصیه به حق و توصیه به صبر؛
۳۲. ایجاد روحیه ستیز در برخورد با ستمکاران در حد عدل اسلامی و بازگرداندن ظالم از ستمگری و حمایت از مظلوم و بازداشتن او از ستم‌کشی؛
۳۳. پرورش افراد به گونه‌ای که در مقابل سرنوشت اجتماعی و سیاسی خویش و جامعه، احساس مسؤولیت نمایند؛

۳۴. تربیت افراد به گونه‌ای که به «مالکیت مطلق پروردگار متعال بر جهان و هرچه در آن است»، ایمان داشته باشند و خود را امانتدار نعمت‌های او بدانند و با کار مفید و مشروع از این نعمت‌ها، برخوردار شوند؛

۳۵. تربیت افراد به گونه‌ای که با استفاده از استعدادها، نیروها و امکانات خود به بندگان خدا سود رسانند و خدمت کنند؛

۳۶. پرورش روحیه قناعت در مصرف و نفی اسراف و تبذیر و زیاده‌روی؛

۳۷. پرورش روحیه عدالت خواهی و نفی هرگونه تعدی، تجاوز و بهره‌کشی ظالمانه؛

۳۸. پرورش افراد به منظور پرهیز از تکاثر، گنج اندوزی، رباخواری و مبارزه با این قبیل انحراف‌ها و...<sup>۱</sup>

### شاخصه‌ها و الگوهای تربیت فضیلت‌گرا

تعلیم و تربیتی که مبتنی بر اندیشه مهدویت شکل گرفته و فضیلت‌گرایی و اخلاق الهی در آن نقش محوری و کلیدی دارد، باید از الگوها و چهارچوب‌های ذیل استفاده و آفری ببرد:

#### ۱. الگوی آماده سازی فکری

در این رویکرد باید ذهن و فکر و روان مردم را در جهت شکل‌گیری جامعه فضیلت محور و اخلاق‌گرا آماده و بایستگی‌ها و زیبایی‌های اخلاق و مکارم اخلاقی را تبیین نمود و علاقه و میل آنها را به این سمت کشاند.

---

۱. ر.ک: محمود نیکزاد، کلیات فلسفه تعلیم و تربیت، صص ۲۰۸-۲۱۴.

## ۲. الگوی نشاط انگیزی درونی

ایجاد انگیزش درونی و نشاط معنوی در انسان‌ها به جهت شکل‌گیری جامعه اخلاقی و بروز رفتارهای اخلاقی و ملکوتی، یکی از روش‌های مهم تربیتی است و باعث شور و اشتیاق آنان به نیکی‌ها و اعمال صالح می‌گردد و جایگاه اخلاق الهی را در جامعه برجسته‌تر و ملموس‌تر می‌سازد.

## ۳. الگوی تواناسازی روحی (تقویت روحی)

براساس این الگو، باید بسترها و زمینه‌های حرکت انسان‌ها به سوی جامعه اخلاقی را با شکوفا کردن استعدادهای درونی و فعلیت بخشیدن به توانایی‌های روحی و معنوی آنها فراهم ساخت و روحیه آنها را برای قرار گرفتن در مسیر معنویت و عرفان، تقویت نمود.

## ۴. الگوی تغییر تدریجی

هرچند برای اصلاح رفتارها و پندارهای ناسالم و غیر اخلاقی نیاز به یک دگرگونی واقعی و بنیادین (انقلاب اخلاقی) هست؛ ولی برای پیشبرد و تعمیق روحیه اخلاقی در انسان‌ها، باید به صورت نظام‌مند و با برنامه حرکت کرد و مرحله به مرحله و به تدریج آنان را با زیبایی‌ها و مکارم اخلاقی مأنوس و آشنا نمود.

## ۵. الگوی تحوّل بنیادین (تحوّل باطنی)

تغییرات ظاهری و روبنایی و اکتفا به رفتارهای کم‌مایه و غیرعمیق، یکی از کاستی‌های جامعه انسانی در جهت رشد و تعالی معنوی است؛ ولی در الگوی تربیتی مهدوی، آنچه اهمیت دارد، دگرگونی و تحوّل واقعی و

بنیادین بشر و قرار گرفتن آنان در مدار حیات طیبه و اخلاق الهی است و این با تعمیق آموزه‌های اخلاقی و پرهیز از ظاهرگرایی امکان دارد.

## ۶. الگوی به‌گزینی (آراسته‌گرایی)

براساس تعلیم و تربیت مهدوی، انسان‌ها نه تنها در انتخاب و گزینش فضیلت‌گرایی راهنمایی و هدایت می‌شوند؛ بلکه در عمل به مکارم اخلاقی و آراستن ظاهر و باطن به اعمال صالح نیز ترغیب می‌شوند و بر این اساس نورانیت و معنویت غیر قابل وصفی در جامعه حاکم می‌شود.

## ۷. الگوی مسؤولیت‌آفرینی

انسان‌ها تا زمانی که نسبت به آفریدگار، خود، جامعه و محیط احساس مسؤولیت نکنند و حقوق و تکالیفی را متوجه خویش ندانند، کمتر میل به نقش‌آفرینی اخلاقی دارند؛ اما با ایجاد احساس وظیفه در برابر همه و مسؤولیت‌پذیری درونی و وجدانی، تا حدودی از کج‌روی دوری کرده و پایبند به فضایل انسانی و مکارم اخلاقی می‌شوند و این اصل مهم تربیتی باید مورد توجه «جامعه مهدوی» قرار گیرد.

مسؤولیت‌شکل‌های گوناگونی دارد که بدین قرار است:

۱-۷. مسؤولیت انسان در برابر آفریدگار خود؛

۲-۷. مسؤولیت مردم نسبت به جایگاه آنها و مواجهه با رسالت پیامبران.

---

۱. اعراف (۷)، آیه ۶: «فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ».

۲. زخرف (۴۳)، آیه ۴۴: «وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ».

ملت‌ها از جایگاه خود و اینکه چه کسانی آنها را رهبری کردند و طاعت خود را به طاعت الهی مقرون ساختند، بازخواست می‌شوند؛ از این رو خداوند، قوم فرعون را به دلیل اینکه به او اجازه دادند تا آنها را تحقیر نماید و با سرنوشت آنها بازی کند، محکوم می‌کند.<sup>۱</sup>

ملت‌ها از میزان آزادی خود و کرنش در برابر غیر خداوند سؤال می‌شوند.<sup>۲</sup> از آنها در مورد نعمت‌ها و بهره‌های مادی سؤال می‌شود که چگونه آن را جمع کرده و در چه راهی استفاده نموده‌اند. از تعهدات، پیمان‌ها و قراردادهای آنها با یکدیگر نیز سؤال به عمل می‌آید و...<sup>۳</sup>

۳-۷. مسؤولیت رهبری دینی، سیاسی، فکری، اقتصادی و... چنان‌که آمده است: «روز قیامت خداوند -عزوجل- به انبیا و علما می‌گوید: شما هدایت‌کنندگان مردم بودید، پس برای مردم چه انجام دادید؟ و به حاکمان و ثروت‌مندان می‌گوید: شما خزینه‌دار گنج‌ها و ثروت‌های من بودید، آیا آن را به فقرا رساندید و یتیمان را سرپرستی نمودید و آیا آن حقی را که من بر شما واجب کردم، از آن جدا و پرداخت کردید؟»

۴-۷. مسؤولیت فرد در برابر خود؛ چنان‌که می‌فرمایند: «دو پای انسان در روز قیامت به لرزه می‌افتد، هنگامی که از او سؤال می‌شود: جوانی‌اش را در چه به سرآورده، عمرش را در چه به پایان برده، مالش را از کجا به دست آورده و در کجا خرج کرده و به چه مقدار از علمش، عمل نموده است!!»

---

۱. همان، آیه ۵۴: «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ».

۲. نساء (۴)، آیه ۹۷: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ».

۳. تکوین (۱۰۲)، آیه ۸: «ثُمَّ لِنُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ».



انسان باید پیوند مسؤولیت خود را در برابر آخرت درک کرده و گستره‌ها و جزئیات آن را بفهمد. اهمیت تمرکز بر این علاقه در تربیت و نفوذ معنای آن در وجدان متعلم، احساسی عمیق نسبت به مسؤولیت اجتماعی در گستره افعال و اقدامات او ایجاد می‌کند.<sup>۱</sup>

## ۸. الگوی اعتدال

چنان که خواهد آمد نظام اخلاقی اسلام، مبتنی بر ایجاد تعادل بین عواطف، غریز و احساسات انسان و دور کردن او از افراط و تفریط و ظلم است. براین اساس جامعه اخلاقی، جامعه‌ای متعادل، عدالت‌گرا و ظلم ستیز است و هر نوع ناهنجاری و رفتار غیر اخلاقی را، ظلم به خود یا جامعه فرض می‌کند و با تحقق ملکه عدالت و تقوا در دل و جان مردم، شاهد تخلّق آنان به اخلاق الهی می‌گردد.

## ۹. الگوی عزّت بخشی

در تعلیم و تربیت مهدوی، اصل بر ایجاد عزّت نفس و منزلت اخلاقی در انسان‌ها با انجام اعمال صالح و ورع و پرهیزگاری است. آنان با روی آوردن به معنویات و فضایل انسانی، احساس فخر و عزّت می‌کنند و به منزلت و موقعیت راستین خود پی می‌برند. در واقع ملاک افتخار و برتری در جامعه مهدوی، انجام اعمال صالحه و فضیلت‌گرایی است.

---

۱. ر.ک: فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۱۰۶ و ۱۰۷.

## ۱۰. الگوی مهرورزی با معبود

یکی از شرایط و زمینه‌های مهم در شکل‌گیری روحیه اخلاقی و معنوی در انسان، تعمیق رابطه او با آفریدگار و فزونی عشق و محبت وی به خدا است. جامعه‌ای که با عشق و دوستی خداوند شکل می‌گیرد، همیشه طیب و سرزنده بوده و از کژتابی و فساد به دور خواهد بود. نتیجه آنکه «تربیت اخلاقی» زیبنده‌ترین و بایسته‌ترین برنامه فرهنگی در جامعه‌ای است که می‌خواهد براساس تعلیم و تربیت مهدوی، گام در مسیر رشد و بالندگی بردارد.

## دو. خردورزی و اصول‌گرایی تربیت

زیربنای تربیت و پرورش مهدوی، بالا بردن توان فکری و اندیشه‌ای انسان و بالندگی و شکوفایی خردورزی و عقل‌گرایی او و ریشه‌کنی جهل و نادانی و کم‌خردی است. براساس روایت زیبایی، جریان زندگی انسان عبارت است از: پیکار بین جنود عقل و جهود جهل. همه فضایل و خوبی‌ها، سربازان عقل و تمامی رذایل و ناراستی‌ها لشکریان جهل هستند. این پیکار ادامه دارد تا اینکه در عصر ظهور، جنود عقل بر جنود جهل، غلبه کرده و دانایی و خردورزی انسان او را به قلّه کمال، اخلاق و معنویت رهنمون می‌سازد. علامه کشفی در این زمینه می‌نویسد:

«رسل و انبیا و ائمه هدی علیهم‌السلام در هر کجا هرچه فرموده‌اند، بیان و توضیح حکم و نور عقل بوده است؛ از برای کسانی که به سبب ضعف عقل، به خودی خود مهتدی شدند و نمی‌فهمیدند».<sup>۱</sup>

به نظر وی عقل همان قوهٔ درّاکه‌ای است که حسن و قبح اشیا و امور را درک می‌کند و نیازی هم به نقل ندارد. در واقع هر آنچه را که رسولان الهی ابلاغ کرده‌اند، چیزی جز اظهار و تبیین حکم عقل نبوده است. با این

---

۱. تحفة الملکوک، ج ۱، ص ۴.

تفاوت که شرایع آسمانی در دو حوزه؛ یعنی، عمومی کردن احکام عقل و نیز بیان مصادیق و جزئیات احکام کلی عقل، آدمی را یاری داده‌اند؛ چنان که دربارهٔ اخلاق و تربیت می‌نویسد:

«علم تهذیب اخلاق و صناعت اکتساب فضایل و معالجه نمودن امراض نفسانیه و طبابت روحانیت، مثل سایر علوم دیگر، محتاج به اعلان نمودن شارع و موقوف به بیان فرمودن او نیست؛ بلکه به قوهٔ عاقله و به مدد تفکر، تحصیل این فن را می‌توان نمود؛ هرچند که شروع با اشاره به کلیات و جزئیات آن، انسان را یاری می‌رساند.»<sup>۱</sup>

او با توجه به این نگاه است که فرجام تاریخ را براساس گشت و بازگشت عقل و مواجهه آن با جهل تبیین می‌کند. در واقع او جهان را آمیخته‌ای از عقل و جهل می‌داند و در تلاش است تا جامعه، تاریخ و انواع دولت را براساس آن دو تبیین کند. مفروض کشفی این است که بیان وجههٔ ظاهری عقل در لباس شریعت (در عصر نبوت حضرت محمد ﷺ)، به سر حد کمال رسیده و حجت خدا بر آدمیان، در دورهٔ آخرین رسولش، تمام شده است. در این مقطع اول، رویهٔ ظاهری عقل در لباس شریعت هویدا شده است. در دومین مقطع - که رویهٔ باطنی عقل عیان می‌گردد و به عصر ولایت شهرت می‌یابد - آخرین ولی خداوند، حضرت مهدی علیه السلام ظهور می‌کند و تشکیل دولت حقهٔ ثانیه می‌دهد. بدین جهت می‌گوید:

«زمان ظهور دولت آن جناب . که زمان ظاهر شدن دولت ثانیهٔ حق است . زمان ظهور و غلبهٔ عقل است از روی باطنی آن که

مقام ولایت است و به منزله روح است از برای روح ظاهری آن که  
مقام نبوت است».<sup>۱</sup>

در توضیح آن می‌توان گفت که عقل از زمان توجّهش به عالم تکوّن بنی  
آدم، به علّت محصور شدنش در حصار ظاهر و نیز در آمیختگی اش با  
جهل، نتوانسته بود جوهر و ماهیت خویش را عیان سازد؛ از این دوران به  
بعد، فرصت می‌یابد تا با فرمان دوّم پروردگار، به سوی حقّ برگردد و  
باطنش را بر همه آشکار سازد. با وقوع چنین پیشامدی است که تمایز  
ماهوی میان عقل و جهل به وجود می‌آید و تقابل عینی عقل و شرع به  
اوج می‌رسد. دیگر خلطه‌ای میان اهل عقل و اهل جهل نیست و صف هر  
یک از آنها معین است. پیکاری که میان این دو صف رخ می‌دهد با  
پیروزی عاقلان خاتمه می‌یابد و عملاً وعده الهی در مورد پیروزی آنها به  
عنوان وارثان زمین تحقّق پیدا می‌کند.<sup>۲</sup>

بر این اساس تربیت و شکوفایی عقلانی انسان‌ها، اهمیت به‌سزایی در  
رشد و رهنمونی آنان به راه راست و زندگی سالم دارد که الگوی کامل آن را  
می‌توان در عصر ظهور مشاهده کرد و تربیت مهدوی واجد این ویژگی  
اساسی و بنیادین است.

تربیت عقلی، چند رویکرد و جنبه مهم و همسو دارد:  
الف. پرورش قدرت فکر و خردورزی انسان‌ها؛  
ب. عقلانی کردن رفتارها، باورها و گفتارها؛

۱. همان، ج ۱، ص ۷۸.

۲. عبدالوهاب فراتی، اندیشه سیاسی سید جعفر کشفی (قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی،

۱۳۷۸)، ص ۱۱۱.

ج. توضیح عقلانی و اندیش ورزانه از محاسن و زیبایی‌های دین و اخلاق؛

د. زدودن ریشه‌های جهل و اوهام و ظلمت فکری، از درون انسان‌ها و جامعه بشری؛

ه. تلاش در جهت فهم پذیر کردن آموزه‌های حیاتی و روحیه بخش اسلام؛

و. رفع موانع خردورزی و اندیش مندی انسان و فراهم ساختن زمینه‌های تفکر و تدبّر واقعی در همه چیز (آیات آفاقی و انفسی)؛

ز. تکیه بر اصول و بنیادهای عقلانی و پایبندی به معیارها و ملاک‌های خاص و....

این رویکرد چند جانبه و فراگیر درباره رشد عقلی انسان، باید مبتنی بر یک سری اصول ثابت و فطری باشد؛ وگرنه انسان چنان در مسیر انحراف و کژئی قرار می‌گیرد که امکان اصلاح و کمال‌گرایی او از بین می‌رود و در واقع خرد وی، تبدیل به وسیله‌ای اهریمنی جهت فریب، غرور و خودکامگی‌اش می‌شود!!

پس رشد فکری انسان، باید یک تربیت اصولی، درست و واقعی باشد؛ نه تربیت کاذب و غیرحقیقی. درست است که تکیه این نوع نگاه به انسان، بر فکر و عقل است؛ اما اینها را عموماً ابزاری در جهت تحقق آمال بی‌حد و حصر افراد زیاده‌خواه و طغیان‌گر قرار می‌دهد و به اسم خرد، به چه ناراستی‌ها و جنایت‌هایی که دست نمی‌یازد؟! فاجعه‌بارتر از این آنکه نیروی عقل و اندیشه انسان‌ها، گاهی زیر یوغ نفس اهریمنی و مورد هجوم نیروی غریزی و شهوانی قرار می‌گیرد و مجال حرکت و پویایی از او

سلب می‌شود!! اینجاست که باید به دنبال راهکاری جامع و کامل بود و تربیت عقلانی را به صورت اصولی و حقیقی، در دستور کار نهادهای تربیتی و آموزشی قرار داد.

خلاصه آنکه تربیت عقلانی، یعنی رشد و پرورش نیروی عقل و اندیشه انسان و خردمندانه و عقلانی کردن رفتارها و پندارهای او. حضرت آیت الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید:

«مسأله مهم‌تری که در مدارس به ویژه در دانشگاه‌ها باید بسیار توجه داشت، مسأله ذهنیت، اعتقادات و روحیه اسلامی و انقلابی آنان است». و «السلام، دین توحید است و توحید؛ یعنی، رهایی انسان از عبودیت و اطاعت و تسلیم در برابر هر چیز و هرکس به جز خدا؛ یعنی گسستن بندهای سلطه نظام‌های بشری؛ یعنی شکستن طلسم ترس از قدرت‌های شیطانی و مادی؛ یعنی تکیه بر اقتدارات بی‌نهایتی که خداوند در نهاد انسان قرار داده و از او به کارگیری آنها را همچون فریضه‌ای تخلف‌ناپذیر، طلب کرده است؛ یعنی دل بستن به رحمت خدا و نهراسیدن از احتمال شکست؛ یعنی استقبال از زحمات و خطراتی که در راه تحقق وعده الهی آدمی را تهدید می‌کند؛ یعنی مشکلات راه را به حساب خدا گذاشتن و خود را به پیروزی حتمی و نهایی امیدوار داشتن؛ یعنی در مبارزه، به هدف عالی، که نجات جامعه از هرگونه ستم، تبعیض، جهل و شرک است، چشم دوختن و عوض ناکامی‌های شخصی و میان‌راهی را نزد خدا جستن، و خلاصه یعنی خود را مرتبط و متصل به اقیانوس لایزال قدرت و حکمت الهی دیدن و به سمت هدف اعلا با امید و بی‌تشویش

## اصول تربیت بایسته

با توجه به این بیان، تربیت بایسته و شایسته، براساس یک سری اصول و بنیادهایی صورت می‌گیرد که به وسیله آنها می‌توان رفتار مطلوب پرورشی را به انجام رساند. اصول تربیت در اسلام عبارت از مبانی و بنیادهای مورد نظر اسلام برای تربیت انسان است که باید زیربنای همه فعالیت‌های تربیتی قرار گیرد و در جهت رشد فکری و عقلی او به آنها توجه شود:

### ۱. اصل ارجمندی و شرافت انسان

انسان از نظر اسلام، موجودی شریف و با ارزش است و جانشین خداوند در روی زمین است و خداوند می‌فرماید: «**إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً**». آن‌گاه به ملائکه امر می‌کند تا بر او سجده کنند و مطیع او باشند. انسان به صورت متوازن و متعادل خلق شده و سپس روح خدایی در او دمیده شده است.<sup>۳</sup>

لازمه توجه به اصل کرامت و شرافت انسان در تربیت اسلامی، این است که انسان بدون توجه به رنگ و جنس و وضع اجتماعی و خانوادگی

۱. همان، ص ۱۱۲.

۲. بقره (۲)، آیه ۳۰.

۳. سجده (۳۲)، آیه ۹: «**ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ**»؛ «**لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ**»؛ در آیه دیگر می‌فرماید: «**وَصَوَّرَكُمُ فَأَحْسَنَ صُورَتِكُمْ**» غافر/۶۴. «**وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاَهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا**» اسری / ۷۰.



و بدون توجه به نقایص جسمی و روحی، با ارزش و محترم است.

## ۲. اصل مساوات و برابری انسان‌ها

تساوی انسان‌ها در اسلام به صورت یک واقعیت پذیرفته شده است. اسلام براساس جهان بینی الهی و توحیدی می گوید که انسان‌ها همه با یکدیگر برابرند و این یک واقعیت طبیعی و سنت خداوندی است؛ چرا که همه از یک نفس آفریده شده‌اند.<sup>۱</sup>

در اسلام افراد با هم برابرند و تنها امتیاز آنان در ایمان، تقوا، علم و مجاهدت در راه خدا است. اصل مساوات در تربیت، نه تنها فرصت‌های برابر را به وجود می آورد؛ بلکه هر نوع تبعیض و اندیشه طبقاتی را از بین می برد. وقتی ایمان، تقوا، علم و ... معیار و ملاک ارزش و فضیلت باشد، هر فردی برای کسب این خصلت‌ها تلاش می کند و جامعه ای مؤمن و متقی و آگاه و کوشا به وجود می آید.

## ۳. اصل اراده و دانایی انسان

از نظر اسلام، انسان موجودی مختار و خودآگاه است. قرآن انسان را امانت دار خدا می داند. وقتی<sup>۲</sup> انسان از قید عبودیت و بندگی دیگران آزاد شد و دانست که او فاعل مختار است، در انتخاب امور دقت کافی به خرج می دهد و با رعایت موازین عقلی و شرع اقدام به عمل می کند. لذا

---

۱. نساء (۴)، آیه ۱: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا».

۲. احزاب (۳۳)، آیه ۷۲: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ»

پذیرفتن اختیار آزادی و آگاهی انسان به عنوان زیربنای تربیتی انگیزه‌ای برای پرورش و تربیت افرادی با اراده، آزاد و آگاه می‌شود.

#### ۴. اصل چند بعدی بودن انسان

اسلام به بعد مادی و بعد معنوی انسان توجه دارد. بعضی از آیات قرآن، اشاره به خلقت انسان و بعد جسمی و معنوی او کرده و به مراحل رشد انسان توجه خاصی مبذول می‌دارد. ابتدا انسان ضعیف و ناتوان به دنیا می‌آید و سپس قدرت و توانایی می‌یابد و آن‌گاه به پیری و کهولت می‌رسد. در هر دوره باید به تناسب همان با انسان رفتار کرد و اسلام نیز برای تربیت در هر دوره، دستورات خاصی ارائه کرده است.

توجه به این اصل که شخصیت انسان دارای ابعاد مختلفی هست و اینکه رشد وی دارای مراحل است، باعث می‌شود اولاً در تربیت به همه ابعاد وجود انسان توجه شود و ثانیاً تربیت متناسب با مراحل رشد افراد در هر دوره باشد.

#### ۵. اصل جهت‌داری زندگی

از نظر اسلام جهان بیهوده خلق نشده است و آفرینش انسان هم عبث و بیهوده نیست. بر این اساس برنامه‌های تربیتی باید با هدف حیات طیبه هماهنگ باشد و با تعلیم مهارت‌ها و فنون مختلف، انسان به هدف

---

۱. ر.ک: سجده (۳۲)، آیات ۷ - ۹.

۲. روم (۳۰)، آیه ۵۴: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً».

۳. مؤمنون (۲۳)، آیه ۱۹۵: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ إِلَيْنَا لَا تَرْجِعُونَ».

اعلای زندگی (کمال حقیقی) برسد.

## ۶. اصل توانایی و ظرفیت انسان‌ها

از نظر اسلام انسان‌ها دارای استعداد‌های متفاوتی هستند و آنچه که خداوند به افراد عطا کرده و باعث برتری برخی بر بعضی دیگر شده، همان استعداد‌های خداوندی و توانایی‌های فطری است. با توجه به این استعداد‌هاست که آنان مختلف و متفاوت هستند. آنچه که اهمیت دارد استفاده از ظرفیت و توانایی فطری و خدادادی است که در اسلام تعبیر به شکر می‌شود. اگر افراد شاکر باشند، استعدادها رشد می‌کنند.<sup>۱</sup>

آموختن و یادگیری در صورتی حاصل می‌شود که استعداد و توانایی آن، در فرد باشد و دانش و مهارت به فراخور استعداد افراد عرضه شود. همچنین تربیت هم به عنوان یک وظیفه فردی و اجتماعی، متناسب با استعداد و توانایی افراد باشد.

برنامه‌های تربیتی در صورتی قابل اجرا و مسؤولیت‌آور است که متناسب با استعداد‌های افراد تدوین شود، تا هم افراد استفاده بیشتری ببرند و هم بازدهی بیشتری برای جامعه داشته باشد.

## ۷. اصل همت مضاعف و عمل صالح

تلاش و کوشش و عمل برای رسیدن و هدف لازم است. قرآن رسیدن به هدف را در نتیجه تلاش پیگیری انسان می‌داند. به تعبیر دیگر

---

۱. ابراهیم (۱۴)، آیه ۷: «لَنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ».

۲. انشقاق (۸۴)، آیه ۶: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ»

سخت کوشی و رنج و تلاش است که انسان را به هدف و مقصد می‌رساند. عمل بهتر و تلاش بیشتر، نشانه بهره‌وری بیشتر از زندگی قلمداد شده است.<sup>۱</sup>

عمل در اسلام به عنوان یک اصل برای کمال انسان باید مورد نظر همه مربیان و برنامه ریزان تربیتی باشد. اصولاً همراه آمدن عمل صالح با ایمان در آیات قرآنی (الذین آمنوا و عملوا الصالحات)، بیانگر این است که اعتقاد و ایمان در صورتی نتیجه‌بخش است که به صورت عمل صالح بروز کند. و تربیت اسلامی در صورتی محقق می‌شود که فرد و جمع به دستورات آن عمل کنند و موازین اسلامی بر تمام روابط فردی و اجتماعی آنان حاکم باشد.

## ۸. اصل جهل‌زدایی

اسلام با جهل و مظاهر آن، به شدت مبارزه می‌کند و بنای کار خود را بر علم و یقین می‌گذارد. جاهل بر اثر نادانی به خطا می‌رود. اسلام با خرافات و آنچه که زاییده جهل و نادانی است مبارزه می‌کند.

با توجه به این اصل، باید بسیج عمومی برای مبارزه با جهل و نادانی صورت پذیرد و علم و دانایی به صورت یک وظیفه همگانی و اجباری تلقی گردد و وقتی امت اسلامی بر این اصل تکیه کنند، دیگر کورکورانه عمل نخواهند کرد و مبنای تربیت آنها علم و آگاهی خواهد بود.

---

۱. ملک (۶۷)، آیه ۲: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا».

## سه . اصلاح گرا و تحوّل بخش بودن تربیت

نگاهی که امروزه بر نظام تعلیم و تربیت حاکم است، نگاهی کلیشه‌ای، سازمانی، بسته، گذرا و تنوع‌طلبانه است و صرفاً به روش‌هایی متعدّد و خشک تربیتی - که عموماً ناشی از گفتار روان‌شناسان و فیلسوفان و دانشمندان غربی است - بسنده می‌شود!! در این رویکرد تأثیرگذاری و نقش‌آفرینی واقعی تربیت در اصلاح رفتارها و پندارها، اهمیت چندانی ندارد و تنها در جهت همسوسازی آنها با زندگی اجتماعی به کار می‌رود.

اما در نظام تربیت مهدوی، اصل بر اصلاح بنیادین امور و تغییر و تحوّل واقعی و درونی انسان‌ها است؛ براین اساس نگاهی خاصّ به اثرگذاری تعلیم و تربیت می‌شود. این رویکرد کاربردی، فقط برای رفع تکلیف و آموزش‌های رسمی و انتقال معارف نیست؛ بلکه درصدد تعمیق ارزش‌های انسانی و درونی کردن مکارم اخلاقی، در نهاد جان آدمی است. براین اساس، تعلیم و تربیت مهدوی، دانشگاه انسان‌سازی و فرهنگ‌نامه رشد و کمال است و با هدف تأثیرگذاری و ژرفابخشی، قلوب و اذهان را شکوفا می‌سازد و در نتیجه تا رسیدن به مقصود نهایی و مشاهده تأثیرگذاری و نقش‌آفرینی واقعی، از فعالیت باز نمی‌ایستد و تا اصلاح و تکمیل رفتارها پیش می‌رود و به مطلوب می‌رسد. جامعه مهدوی (جامعه

منتظر) نیز با تأسی به این الگوی مطلوب دینی، باید نظام تربیتی پویا و کاربردی داشته باشد و اساس را بر دگرگونی و تغییر احوال و عادت‌ها بگذارد. در واقع تعلیم و تربیت، برگرفته از آموزه‌های دینی و در راستای اعتلای روحی و فکری انسان است و به همین جهت، به دنبال اثرگذاری عمیق و هویت‌بخشی به انسان‌ها است؛ یعنی، دارای سمت و سو و مقصد مشخصی بوده و برای رسیدن به آن، برنامه‌های کاربردی و ایده‌های فراگیری دارد. در واقع اصلاح نفس انسانی و دگرگونی در سیرت و بصیرت انسان، دارای اولویت اساسی است و به همین جهت در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام بدون هیچ واسطه‌ای با کل مردم جهان گفت و گو می‌کند و آنها را مخاطب قرار می‌دهد و تک‌تک آنها را به آرمان‌های راستین اسلام فرا می‌خواند.

امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«انبیا اصلش آمده‌اند برای تزکیهٔ نفوس انسانی، تعلیم و تربیت کتاب و حکمت و مهار کردن این طبیعت که انسان قبل از مهار کردن طبیعت به دست انبیا به طور اصلاح همه چیز را می‌خواهد. در انسان کما اینکه یکی از موجودات عالم است. که یک حیوانی است. منتها حیوان قابل تربیت. هیچ یک از چیزهایی که در انسان [هست]، قوایی که در انسان است، محدود نیست. انسان شهوتش محدود نیست به اینکه نظام داشته باشد. مثل سایر حیوانات. بلکه از سایر حیوانات هم بدتر است. غضب انسان محدود نیست به اینکه در یک موردی اعمال غضب بکند، در یک موردی نکند، غیر محدود است.»<sup>۱</sup>

حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز در رابطه با این اصل اساسی می‌فرماید:

«نقطه اصلی و محوری برای اصلاح عالم، اصلاح نفس انسانی است. همه چیز از اینجا شروع می‌شود. قرآن به آن نسلی که می‌خواست با دست قدرتمند خود، تاریخ را ورق بزند، فرمود: «قوا انفسکم» و «علیکم انفسکم». خودتان را مراقبت کنید؛ به خودتان بپردازید و نفس خودتان را اصلاح و تزکیه کنید (قد اَفْلَحَ من زکیها).

اگر جامعه اسلامی صدر اول اسلام، از تزکیه انسان‌ها شروع نشده بود و در آن به اندازه لازم، آدم‌های مصفا و خالص و بی‌عشق وجود نداشتند، اسلام پا نمی‌گرفت، گسترش پیدا نمی‌کرد، بر مذاهب مشرکانه عالم پیروز نمی‌شد و تاریخ در خط اسلام به حرکت نمی‌افتاد. اگر انسان‌های مزگا و مصفا نباشند، جهاد نیست....

[پس] در درون وجود ما، بزرگ‌ترین دشمن ما تمکین گرفته و آن، نفس اماره و شهوات و خودخواهی و خودپرستی‌های ماست. هر لحظه‌ای که بتوانیم این مار گزنده و این دشمن کشنده را سر جای خود بنشانیم - ولو به طور موقت - در آن لحظه ما موفق و سعادت‌مند و قادر بر عمل و مقاومت و... هستیم... باید به خودمان بپردازیم، باید نفس‌های خودمان را اصلاح کنیم، باید قدرت معنوی انسانی را - که خدا در ما به حد اعلا و به ودیعه گذاشته است - از گل ولای شهوات و هوا و هوس‌ها و خودخواهی‌ها و خودپرستی‌ها نجات بدهیم و آن را قوی کنیم.<sup>۱</sup>

حال سؤال این است که: چه چیزهایی باید تغییر کند و اصلاح گردد و

---

۱. حدیث ولایت، ج ۵، ص ۸۴.

چگونه؟

جامعه مهدوی برای رسیدن به پاسخ این سؤال، علاوه بر میراث گران بهای دینی - از آغاز بعثت حضرت ختمی مرتبت تا دوران ولایت خاندان عصمت - با مراجعه به آموزه‌های فرهنگ مهدوی، می‌تواند به پاسخی روشن و کاربردی دست یابد.

### الگوهای اصلاح و تغییر

در الگوی تربیتی عصر ظهور، مؤلفه‌های اصلاح و تغییرات بایسته عبارت است از:

#### ۱. باورها و بینش‌ها

تا زمانی که انسان‌ها بینش و نگرش خود را به جهان هستی تغییر نداده و باورهای خود را بر پایه‌های استوار دینی قرار ندهند و از صراط مستقیم الهی دور باشند، تربیت آنان فایده‌ای نداشته و عاری از حقیقت و ماندگاری خواهد بود. اما تعلیم و تربیت مهدوی، در وهله نخست، شالوده‌های فکری و معرفتی انسان‌ها را مستحکم و قوی می‌سازد و باورها و بینش او را به صورت اصولی و درست بنا می‌نهد؛ آن‌گاه به انتقال آموزه‌های اخلاقی و تربیتی همّت می‌گمارد. در جامعه مهدوی نیز باید زیربنای معرفتی و فکری مردم، اصلاح و تقویت گردد و ناراستی‌های اعتقادی و ضعف‌های ایمانی برطرف شود.

#### ۲. عادت‌ها و منش‌ها

انسان‌ها از آغاز حیات خود، یک سری عادت‌ها و رویه‌هایی را کسب



می‌کنند که چه بسا پاره‌ای از آنها نادرست و مذموم است و تا زمانی که از این عادات و منش‌ها دست برندارند و عادات خوب و پسندیده را کسب نکنند، تربیتشان ره به جایی نخواهد برد!!

در جامعه مهدوی نیز- با تأسی به شیوه‌های تربیتی معصومین به خصوص امام مهدی علیه السلام- باید در جهت تغییر عادت‌ها و رویه‌های ناسالم و غیرانسانی کوشید و افراد را با منش‌های جدید و رفتارهای ستوده اخلاقی و دینی آشنا نمود. در این صورت است که می‌توان امید داشت جامعه رو به رشد و تعالی اخلاقی و معنوی بوده و از پلیدی‌ها و ناهنجاری‌ها گریزان باشد. پس اگر در جامعه‌ای عادت به حق‌کشی و تجاوز به حقوق دیگران (مثلاً در کوچه و خیابان و...) رواج داشته باشد، باید بدانیم که آن جامعه از مسیر دینی- مهدوی خارج شده و رفتارهایی ناپسند اختیار کرده است!! پس همان‌گونه که امام مهدی علیه السلام ریشه حق‌کشی و تجاوزگری را در جهان خشک می‌کند، پیروان و اقتدکنندگان به او نیز در هر عصر و برهه‌ای، باید چنین باشند و این دیدگاه و منش را به تک‌تک افراد منتقل نمایند و آنان را براساس این الگو، تربیت کنند.

### ۳. خُلقیات و خصلت‌ها

یکی از بایسته‌های تربیتی جامعه منتظر، کسب خصلت‌های نیکو، دوری از اخلاق‌های ناسالم و ناراست و ترویج و گسترش اخلاق الهی است. متأسفانه در اکثر جوامع، اخلاق الهی جایگاه و ارزش خود را از دست داده و اخلاق، متکی بر یک سری گزاره‌های عرفی و عقلی شده است!! براین اساس بعضی از رفتارهای غیراخلاقی تبدیل به عرف جامعه شده و قبح و

زشتی خود را از دست داده است!! اما اصلاح فرهنگی و تربیتی انسان‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که اولاً با اخلاق صحیح الهی آشنا باشند و ثانیاً در صدد تخلُّق به آن برآیند. پس دگرگونی واقعی زمانی اتفاق می‌افتد که انسان‌ها براساس فضایل و مکارم اخلاق الهی، تربیت شوند و اخلاقیات پسندیده و مطلوب دین را در جامعه حاکم سازند. در تعلیم و تربیت مهدوی نیز ترویج و بسط اخلاق الهی در اولویت قرار دارد و افراد در پرتو آن، به رشد و بالندگی واقعی دست خواهند یافت.

#### ۴. ایده‌ها و ارزش‌ها

تا زمانی که جامعه بشری دارای ارزش‌ها و هنجارهای متعالی و واقعی نباشد و برای خود ایده‌های انحرافی و پوشالی برگزیند، از مسیر انسانیت و صراط مستقیم دور افتاده و بهره‌ای از تربیت واقعی نخواهد برد. اما در صورتی که این آرمان‌ها و ایده‌ها در مسیر درست قرار گیرد و یک هدف متعالی و واقعی، برای جامعه ترسیم گردد و همه آحاد آن، در راستای این هدف اصیل و کامل حرکت کنند، امکان اصلاح و رشد آن جامعه بالا خواهد بود. پس برای اینکه بتوان تربیت سازنده و مؤثری داشت، باید ارزش‌ها را نهادینه کرد و آرمان‌های متعالی و شکوهمندی برای افراد در نظر گرفت و آنان را در این راستا، به کوشش و حرکت واداشت.

در جامعه مهدوی، مهم‌ترین هدف جامعه، رسیدن به کمال نهایی و عبودیت خداوند است که در این باره بیشتر بحث خواهد شد.

#### ۵. نیازها و خواسته‌ها

انسان‌ها دارای خواسته‌ها، نیازها و میل‌های مختلف و گوناگونی هستند؛

اما به جهت اینکه گاهی سمت و سوی آنها تغییر یافته و در مسیر نادرستی قرار می‌گیرد، موجب کژتابی فکری و رفتاری افراد می‌گردند. پس باید اولاً نیازهای واقعی و اصیل آنان شناسایی و تأمین گردد و ثانیاً میل‌ها و کشش‌های غیر طبیعی و ناراست، در مسیر درست خود قرار گیرد. از آنجایی که این نیازها و خواسته‌ها تأثیر به‌سزایی در روحيات و خلییات افراد دارد، برای اصلاح و تربیت آنها، باید به این میل‌ها و کشش‌ها توجه نمود و هم‌پای تربیت، گستره و شمول آنها را نیز محدود و عقلانی نمود و مانع تجاوز و افراط و تفریط در آنها شد. در واقع برای تربیت انسان، ابتدا باید نیازها و میل‌های او اصلاح و سامان گردد و بعد از آنکه در مسیر درست قرار گرفت، به تربیت او پرداخت.

## ۶. آداب و رسوم

بعضی از رفتارها و پندارهای نادرست و غیرمعمول انسان‌ها، ناشی از آداب و رسوم رایج و تلقیات و برداشت‌های انحرافی و کژتابانه از اوضاع و احوال است. این آداب و رسوم و برداشت‌ها، در طی مدّت‌های میدی شکل گرفته و وارد زندگی انسان‌ها شده است؛ به همین جهت حاوی بار فرهنگی و هویتی است. از این رو پاره‌ای از آداب و برداشت‌های انحرافی و ناراست، تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری خلییات و رفتارهای ناهنجار و غیرارزشی دارد. پس برای تربیت انسان‌ها، باید دگرگونی اساسی در این گونه آداب و رسوم صورت گیرد و با تغییر در آنها، باعث تغییر در نگرش‌ها و منش‌های افراد گردید. در جامعه مهدوی، تنها آداب و رسومی پذیرفتنی است که مخالف با شؤون اخلاقی و دینی نباشد و جامعه در مسیر درست عدل و

معنویت قرار دهد.

## چهار. آرمانی و هدفمند بودن تربیت

اندیشه متعالی مهدویت، هم خود یک آرمان و هدف متعالی است؛ هم تحقق بخش هدف نهایی و آرمان بزرگ انسان‌ها است و هم منشأ و سرچشمه اهداف و آرمان‌های پویا و ماندگار. داشتن هدف بزرگ و روشن در زندگی و کوشش در جهت تحقق و دستیابی به آن، رویکردی اثرگذار و نظام‌مند است و می‌تواند نقش به‌سزایی در تعلیم و تربیت انسان‌ها ایفا کند. اگر می‌خواهیم نسلی مهدوی و منتظر واقعی داشته باشیم، باید آرمان‌های متعالی و شکوهمند را در آنها زنده کنیم و اگر می‌خواهیم جامعه‌ای پاک و راست کردار داشته باشیم، باید اهداف و غایات ارجمند و ستوده را برای آنان ترسیم نماییم و اجتماع را بدان سو هدایت کنیم.

آرمان‌گرایی و هدف‌مندی، باعث ایجاد شور و اشتیاق وافر جهت رسیدن به مقصود و موجب تلاش و کوشش جدی برای دستیابی به خواسته‌ها است. آرزوی بالندگی و کمال و شکوفایی، اراده و عزم انسان را تقویت می‌کند و توانایی و قدرت ویژه‌ای به او می‌بخشد تا بتواند به آرزو و خواسته خود برسد. در واقع، امید به آینده‌ای روشن و پرفروغ، بر اندیشه و فکر انسان تأثیر مستقیمی دارد و به او جهت و برنامه می‌دهد. آن‌گاه این اندیشه و برنامه، بر اراده و عزم او اثر می‌گذارد و او را وادار می‌کند تا تلاش

معنابخشی، برای رسیدن به آن داشته باشد.

این رویکرد زیربنای باورهای منجی‌گرایانه ادیان ابراهیمی - به خصوص مکتب پویای تشیع - است و این مکتب حیات و بالندگی خود را مدیون «اندیشه مهدویت» می‌داند و برای رسیدن به آن عصر موعود، لحظه شماری می‌کند و شکوفاتر می‌شود.

حال تعلیم و تربیتی که براین اساس شکل می‌گیرد، اهداف روشن و باشکوهی برای جامعه ترسیم می‌کند؛ مانند: رسیدن به عبودیت و معرفت خدا (که هدف آفرینش انسان است) و تقرب به او؛ دستیابی به کمال اخلاقی (معنویت و عمل صالح)، کمال عقلی (رشد فکری و دانایی) و کمال اجتماعی (عدالت و پیشرفت) و....

همه این آرمان‌ها در جامعه مهدوی محقق خواهد شد و منتظران این عصر درخشان، باید همه کوشش خود را در جهت رسیدن به آن جامعه موعود به کار گیرند و یا حداقل بعضی از نمودها و جنبه‌های حیاتی آنها را جامعه عمل ببوشانند. البته باید بدانیم که این آرمان‌گرایی، خیال‌بافی و دل‌بستن به ناکجا آباد و هیچستان نیست؛ بلکه واقع‌گرایی و داشتن مسیر و مقصد روشن و یقینی است. چنین رویکردی، سراسر انرژی، نظام‌مندی، جدیت، اصلاح‌گری و خدامحوری است و از هر لحاظ می‌تواند آثار و نتایج مهمی داشته باشد. مهم این است که نظام آموزشی و تربیتی ما، نگاه واقعی و درست به «آموزه مهدویت» داشته باشد و آن را الگوی عملی و مقصدی قطعی ترسیم نماید و افکار و آمال را بدان سو جهت بخشد.

به طور کلی دو معنای متمایز برای تربیت اسلامی مطرح است: مفهوم

محدود و مفهوم عام و فراگیر. تربیت اسلامی در مفهوم محدود تنها در قالب مقررات شریعت و اعتقاداتی است که جویندگان علوم دینی آن را فرا می‌گیرند. اما تربیت اسلامی به معنای فراگیر آن، از مقررات مزبور فراتر می‌رود. این نوع تربیت شامل هر عمل هدف‌مندی می‌شود که از سوی فرد صادر و سبب کسب بینش به حقایق دین و تهذیب تمام جوانب شخصیت می‌شود. بنابراین اندیشه، می‌توان هرگونه حرکت، فعالیت و تدریس را در چهارچوب تربیت اسلامی گنجانده. تربیت اسلامی، نه تنها دربرگیرنده نظام آموزشی؛ بلکه تمام زندگی است و تربیتی مرحله‌ای نیست؛ بدین معنا که در دوره‌ای ظهور و در دوره‌ی میانه خاتمه یابد. یکی از خطاهای بارز، گنجاندن تربیت اسلام در زمره نظریه‌های تربیتی گذشته است. هرچند تربیت اسلامی به گذشته توجه خاص می‌کند، چرا که از زمان‌های گذشته می‌توان عبرت‌ها و پندهایی آموخت. این نوع تربیت هرگز تربیت متافیزیکی نیست و همان طور که به گذشته عنایت دارد، به آینده نیز توجه می‌کند و آرمان‌گراست. تربیت اسلامی، تربیتی با ریشه‌های ثابت است که فروع آن در مواجهه با عوامل جدید، دستخوش تغییر و تحول می‌شود.

### **بایستگی هدفمندی در تربیت**

مهم‌ترین شرط در تعلیم و تربیت، وحدت هدف و مقصد است که باید برنامه‌ها و فعالیت‌های مربوط را هدایت نماید. باید هدف نهایی تعلیم و تربیت، به طور کلی و مخصوصاً برای افرادی که در تنظیم برنامه‌های مربوطه نقشی به عهده دارند، روشن باشد و هدف تربیت به صراحت

تعیین گردد. براین اساس تعلیم و تربیت تلاش کورکورانه یا نوعی آزمایش و خطا نیست. مرئی حق ندارد دست به اعمالی بزند که عواقب تربیتی آن برایش معلوم نیست. تعلیم و تربیت، کوششی هدفدار است و هدف نیز باید با ارزش و کمال گرایانه باشد و وصول به آن، منافع فرد و مصالح اجتماع را متضمّن باشد. به همین جهت، مستلزم طرح و نقشه مناسب و بایسته است.<sup>۱</sup>

هر موجودی را کمالی است که هدفِ خلقِ او و به تبع آن، هدف تربیتش، رسیدن بدان است. بنابراین، هدف تعلیم و تربیت آدمی، تسهیل سیر صعودی و استکمالی انسان به سوی حالت کمالی است که در خلقتش مقدّر شده است. هدف نهایی تعلیم و تربیت در اسلام آن است که مقدمات حرکت و هدایتِ آدمی را در صراط مستقیم پرستش پروردگار فراهم آورد و معراج او را به مرحله کمال انسانی، آسان سازد و راه بازگشت به احسن تقویمی را که بنیاد آفرینش وی بر آن استوار است، هموار کند؛ به طوری که در سایه عمل صالح، مراحل و مدارج علم و ایمان را طی کند و خود را هر لحظه به خداوند متعال - که مقصد نهایی این سیر و سلوک است - نزدیک تر سازد و به مقام قرب و بندگی (عبودیت) برسد.

حضرت آیت الله خامنه ای می فرماید:

«در جامعه اسلامی و کلاً بنابر اندیشه اسلامی، برای یک انسان، هدف کامل شدن است. انسان همان بذری است که باید رشد کند، بروید و پس از رویدن، باید همچنان رشد کند تا قوام بیاید و میوه بدهد و ثمربخش شود... این میدان تکامل [در مورد

---

۱. ر.ک: غلام حسین شکوهی، تعلیم و تربیت و مراحل آن، ص ۵۶.



انسان [همچنان باز است. هیچ جا وجود ندارد که وقتی انسان به آنجا رسید، بگویند که: انسان تو دیگر کامل شدی، تمام شدی، دیگر از حالا به بعد حرکت نداری!!... میدان حرکت به سوی انسان باز است».<sup>۱</sup>

قرآن در تبیین اهداف تربیتی، از واژه‌ها و اصطلاحات فراوانی بهره گرفته است؛ از جمله:

۱. رشد ﴿فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾<sup>۲</sup>
۲. طهارت ﴿وَلَكِنْ يَرِيذُ لِيُطَهَّرَكُمْ﴾<sup>۳</sup>
۳. حیات طیبه ﴿فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً﴾<sup>۴</sup>
۴. هدایت ﴿وَلَتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾<sup>۵</sup>
۵. عبادت ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾<sup>۶</sup>
۶. تقوا ﴿كَذَٰلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾<sup>۷</sup>
۷. قرب ﴿وَقُلْ عَسَىٰ أَن يَهْدِيَنِّي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَٰذَا رَشْدًا﴾<sup>۸</sup>
۸. رضوان ﴿مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا آتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ﴾<sup>۹</sup>
۹. اقامه قسط ﴿... لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ﴾<sup>۱</sup>

۱. کتاب مصاحبه ۶ (مقام معظم رهبری)، ص ۱۶۳.

۲. بقره (۲)، آیه ۱۸۶.

۳. مائده (۵)، آیه ۶.

۴. نحل (۱۶)، آیه ۹۷.

۵. فتح (۴۸)، آیه ۲۰.

۶. ذاریات (۵۱)، آیه ۵۶.

۷. بقره (۲)، آیه ۱۸۷.

۸. کهف (۱۸)، آیه ۲۴.

۹. حدید (۵۷)، آیه ۲۷.

۱۰. فلاح ﴿فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛<sup>۲</sup>
۱۱. تفکر و تعقل ﴿كَذَلِكَ بَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾؛<sup>۳</sup>
۱۲. استقلال و عزت نفس ﴿يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾؛<sup>۴</sup>
۱۳. تعاون ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾؛<sup>۵</sup>
۱۷. تزکیه و تهذیب ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ﴾؛<sup>۶</sup>
۱۸. امانت داری ﴿إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾ و...<sup>۷</sup>

با توجه به این آیات نورانی، همه کمالات اخلاقی و ملکات فاضله، می‌تواند هدف و انگیزه اسلام در دعوت پیروانش به آنها باشد؛ مثلاً عفت نفس، عزت نفس، علو همت، قناعت، وقار و متانت، زهد و وارستگی، اعتماد به نفس، ایمان و تقوای الهی، صبر و توکل، شکرگزاری و رضا، خوف و خشیت، تواضع و فروتنی، حسن خلق، حسن ظن، وفای به عهد، درست کاری، عدالت و دادگری، نصیحت و خیرخواهی، نظارت عمومی و احساس مسؤولیت، عیب‌پوشی، عفو و گذشت و شجاعت و دهها کمال اخلاقی دیگر در زمینه ملکات اخلاقی الهی و فردی و اجتماعی. که اسلام

→

۱. همان، آیه ۲۵.
۲. اعراف (۷)، آیه ۶۹.
۳. بقره (۲)، آیه ۲۴۴.
۴. مائده (۵)، آیه ۵۴.
۵. همان، آیه ۲.
۶. مؤمنون (۲۳)، آیه ۴۹.
۷. مدثر (۷۴)، آیه ۴.

پیروانش را به آن فرا می‌خواند. هدف و انگیزهٔ اسلام در تهذیب نفس و خودسازی می‌باشد.<sup>۱</sup>

امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«اسلام در کنار مقررات اجتماعی، اقتصادی و غیره، به تربیت انسان براساس ایمان به خدا، تکیه می‌کند و در هدایت جامعه از این بُعد، بیشتر برای هدایت انسان به طرف تعالی و سعادت عمل می‌کند».<sup>۲</sup>

حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید:

«برای انسان، هدف اعلی عبارت از وصول به حق، رسیدن به قرب باری تعالی و تخلق به اخلاق الهی است».<sup>۳</sup>

و «اصلاً فایدهٔ اساسی و هدف اصلی این است که انسان‌ها متخلّق به اخلاق الله بشوند. تخلق به اخلاق الله مقدمه، برای یک کار دیگر نیست؛ کارهای دیگر، مقدمه برای تخلق به اخلاق الله است. عدل مقدمهٔ تخلق به اخلاق الله و نورانی شدن انسان‌هاست. حکومت اسلامی و حاکمیت پیامبران، برای همین است: «انما بعثت لاتمّم مکارم الاخلاق».<sup>۴</sup>

با توجه به تصریح آیاتی که عبادت (و عبودیت) را به عنوان تعلیل خلقت انسان ذکر می‌کنند، اگر «عبودیت» را در کانون قرار دهیم؛ در این صورت می‌توانیم مفاهیم دیگر را به عنوان شوونی از آن در نظر بگیریم که به

---

۱. ابوالحسن حسینی، آشنایی با نظام تربیتی اسلام، ص ۵۸.

۲. صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۹۰.

۳. حدیث ولایت، ج ۷، ص ۶۱.

۴. همان، ص ۲۰۶.

اعتبارهای مختلف، به صورت اصطلاحات و واژه‌های متعدّد در آمده‌اند. پس می‌توان گفت که عبودیت، هدف نهایی تربیت اسلامی است و غرض آن است که آدمی، «عبد خدا» شود. از این رو بالاترین وصفی که در قرآن برای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به کار رفته، «عبد» است.

به هر حال باید بدانیم که عبد شدن ناظر به فرآیندی بلند و پیچیده در جهت خروج از سلطهٔ عواملی است که تهدید تصاحب انسان را دارند. از آنجا که انسان، موجود محتاجی است و با حواشی فیزیکی و روانی و اجتماعی همراه است، همواره در لحظات شدت و حدّت احتیاج، در معرض آن است که چیزی یا کسی تصاحب شود و حاجت را به ذلّت. که صورت محرف آن امر طبیعی است. بدل سازد.

## پنج. ولایت‌گرایی و امامت محور بودن تربیت

از دیدگاه شیعه، مربیان واقعی انسان‌ها، پیامبران و امامان هستند و دیگران در صورتی در امر تعلیم و تربیت قدسی موفق خواهند شد که از سیره و روش آنان، بهره بگیرند و آموزه‌ها و رهنمودهای آنان را چراغ راهنمای خود قرار دهند و از عنایات و توجهات آنان برخوردار باشند. یکی از علّت‌های اصلی هدایت و تربیت بشر در عصر ظهور، این است که مردم تحت تربیت خاص و مستقیم امام مهدی علیه السلام قرار خواهند گرفت و به دست الهی او، استعدادها و ظرفیت‌های اخلاقی و معنویشان شکوفا خواهد شد؛ همچنان که مردم صدر اسلام، به دست پیامبر اکرم و عترت پاک او، تحت تعلیم و تربیت قدسی قرار گرفتند. در واقع تعلیم و تربیتی که از مدار امامت و ولایت خارج باشد و از الگوها و چهارچوب‌های فکری و اخلاقی آن دور گردد، نمی‌تواند تأثیرات ماندگار و گران سنگی داشته باشد و در مدار محور درست و الهی خود قرار گیرد. تربیت الهی و انسانی، آن است که از سرچشمه عصمت و حکمت سیراب گردد و منجر به بصیرت و معنویت انسان‌ها شود و این تنها در پرتو وجود انسان کامل و امامی عادل امکان‌پذیر است. امام خمینی رحمته الله علیه در این باره می‌گوید:

«راجع به رسول خدا صلی الله علیه و آله در قرآن کریم است که ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ

فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ  
الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ؛<sup>۱</sup> انگیزه بعث را در این آیه شریف ذکر می‌فرماید  
که «خدای تبارک و تعالی است که در بین این امیین و بی‌سوادها  
و کسانی که تربیت و تعلیم الهی نداشته‌اند، رسول فرستاده  
است تا اینکه آیات خدا را بر آنها قرائت کند و آنها را با قرائت قرآن  
و تربیت‌هایی که خود او شده است، در تعلیمات الهی، آنها را به  
مردم عرضه کند و تزکیه کند آنها را و تعلیم کند، بر آنها کتاب و  
حکمت را»، در این آیه نکات زیادی هست راجع به اهمیت تربیت  
معلم و اهمیت تعلیم و تعلم. با تعبیر «هو الذی» اوست که این کار  
را کرده است، کأنه یک مطلب با اهمیتی است که می‌فرماید:  
«هو الذی بعث» آن است که فرستاده است بین مردم، و همه  
عالم امی هستند، حتی آنهایی که به حسب ظاهر درس‌هایی  
خوانده‌اند و به حسب ظاهر صنایعی را می‌دانند و مسائلی را  
اطلاع بر آن دارند؛ لکن همه آنها نسبت به آن تربیتی که از جانب  
خدا به وسیله انبیا به آنها می‌شود، همه امی هستند، همه در  
ضلال مبین هستند. تنها راه تربیت و تعلیم، راهی است که از  
ناحیه وحی و مربی همه عالم، رب العالمین، تنها راه، آن راهی  
است که از ناحیه حق تعالی ارائه می‌شود و آن تهذیبی است که با  
تربیت الهی به وسیله انبیا، مردم آن تربیت را می‌شوند و آن  
علمی است که به وسیله انبیا بر بشر عرضه می‌شود و آن علمی  
است که انسان را به کمال مطلوب خودش می‌رساند.»<sup>۱</sup>

گفتنی است حد اعلای تربیت انسان‌ها در عصر ظهور وجود خواهد داشت؛  
اما در عصر غیبت و در جامعه‌ای که پیرو و تابع ولی و حجت خدا است،

---

۱. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۶۵.

این نوع تربیت تا حدودی امکان پذیر بوده و بعضی از ابعاد آن قابل تحقیق است.

ابتدا باید بدانیم که در عصر غیبت کبری، امام معصوم دارای زندگی پنهانی هستند؛ ولی عنایت‌ها و توجهات خاصی به افراد - به خصوص صالحان و منتظران واقعی - دارند. براین اساس تربیت نفوس مستعد، یکی از کارکردها و فواید امام غایب در این دوران است. امام رضا علیه السلام در توصیف «امام» می‌فرماید:

«الامامُ المَاءُ الْعَذْبُ عَلَيَّ الظَّمَاءُ وَ الدَّالُّ عَلَيَّ الْهُدَى»؛ «امام آب گوارا در حال تشنگی و دلالت کننده بر هدایت است».

هدایت‌گری و تربیت امام، هم ظاهری است و هم باطنی؛ چنان که علامه طباطبایی می‌گوید:

«امام قافله سالار کاروان انسانیت است که از راه باطن به سوی خدا سیر می‌کند. وظیفه امام تنها بیان صوری معارف و راهنمایی ظاهری مردم نیست و امام، همان گونه که وظیفه راهنمایی صوری مردم را برعهده دارد؛ همچنان نیز ولایت و رهبری باطنی اعمال را برعهده دارد و او است که حیات معنوی مردم را تنظیم می‌کند و حقایق اعمال را به سوی خدا سوق می‌دهد. بدیهی است حضور و غیبت جسمانی امام در این باب تأثیری ندارد و او از راه باطن، به نفوس و ارواح مردم اشراف و اتصال دارد؛ اگرچه از چشم جسمانی ایشان مستور است، ولی وجودش پیوسته لازم است».<sup>۱</sup>

آیت الله جوادی آملی می‌نویسد:

۱. شیعه در اسلام، ص ۱۹۲.

«امام اگر خانه‌نشین یا در پس پرده غیبت باشد، رهبری ملکوتی انسان‌ها و جوامع بشری حقیقی است که از وجود آنان جدا نمی‌شود. لذا وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام، رهبری ملکوتی تمام انسان‌ها را و هرچه دارای ضرورت و تحوّل است، برعهده دارد».<sup>۱</sup>

براین اساس، هدایت و راهنمایی معصومین به دو طریق است: هدایت تشریحی و هدایت تکوینی. چنانچه هدایت از طریق گفتار و رفتار و تعلیم و تربیت عادی صورت گیرد، هدایت تشریحی است و اگر هدایت و تربیت خارج از چهارچوب الفاظ و کلمات باشد، هدایت تکوینی نام دارد. وجود امام زمان از پشت ابرهای غیبت نیز این اثر را دارد که از طریق اشعهٔ نیرومند و پردامنهٔ نفوذ شخصیت خود، دل‌های آماده را در نزدیک و دور، تحت تأثیر جذبۀ مخصوص قرار داده، به تربیت و تکامل آنها می‌پردازد و از آنها انسان‌های کامل‌تری می‌سازد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«لا تَخْلُ الارْضَ - منذ كانت - من حُجَّةِ عالم یحیی فیها ما یمیتون من الحقِّ...»؛ «زمین از همان زمانی که پدید آمده، از حجتی عالم - که هر حقی را که مردم به دست فراموشی می‌سپارند، زنده می‌کند - تهی نبوده است...».

براین اساس است که می‌گوییم تعلیم و تربیت مهدوی، آن است که مربیان و معلمان، هم از ره‌توشه‌های علمی و معرفتی امامان معصوم، بهره کامل بگیرند و هم مرئی و معلّم واقعی را خود امام زمان بدانند و از الطاف و

---

۱. تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱۶، ص ۹۷ و ۹۸.

۲. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۷، ج ۶۵.



توجّهات خاص او در هدایت و تربیت نفوس یاری بگیرند.

و چه زیبا گفته است حافظ شیرین سخن که:

آن سیه چرده که شیرینی عالم با اوست	چشم میگون، لب خندان، رخ خرم با اوست
گرچه شیرین دهنان پادشاهانند ولی	او سلیمان زمان است، که خاتم با اوست
خال شیرین که بر آن عارض گندمگون است	سر آن دانه که شد، رهزن آدم با اوست
دلبرم عزم سفر کرد، خدا را یاران	چه کنم با دل مجروح که مرهم با اوست
روی خوب است و کمال هنر و دامن پاک	لاجرم همت پاکان دو عالم، با اوست
با که این نکته توان گفت که آن سنگین دل	کشت ما را و دم عیسی مریم با اوست
حافظ از معتقدان است، گرمی دارش	زانکه بخشایش بس روح مکرم با اوست

### مؤلفه‌های تربیت ولایی

تعلیم و تربیت در جامعه مه‌دوی، با توجّه به این معیار اساسی و مهم، صورت می‌گیرد و دارای مؤلفه‌ها و ویژگی‌های خاص است؛ از جمله:

۱. نگاه شفقت‌آمیز و مهرورزانه به انسان‌ها؛
۲. پیوند تعلیم و تربیت با هدایت و راهیابی انسان‌ها به سر منزل مقصود؛
۳. بهره‌وری از نیروها و عنایات غیبی و معنوی بزرگان دین؛
۴. داشتن الگوها و اسوه‌های روشن و کامل برای تربیت و تعالی انسان‌ها؛
۵. امکان رشد و بالندگی مداوم و پویا در پرتو تربیت‌های الهی و ایمانی؛
۶. کم کردن اشتباهات، خطاها و نارسایی‌های تربیتی و رفع موانع و بن‌بست‌های احتمالی؛
۷. اعتماد بالای تربیت‌شوندگان به راه و روش‌های تربیتی و نتایج و دستاوردهای آن؛
۸. بهره‌گیری از رهنمودها و توصیه‌های اخلاقی - تربیتی راسخان و

دانایان در علوم دینی (امامان)؛

۹. درونی و پرمایه کردن آموزه‌های تربیتی و توجّه ویژه به تأثیرگذاری و

سازندگی برنامه‌ها و ایده‌های انسان ساز؛

۱۰. ارائه شاخص‌ها و ملاک‌های رشد و تکامل همه جانبه با توجّه به سیره

و رفتار اسوه‌های دینی؛

۱۱. بهره‌گیری کامل از آموزه «انتظار» و تربیت نسل منتظر در راستای

تحقق آرمان‌های مهدوی و قرار گرفتن در مسیر جامعه آرمانی؛

۱۲. ایجاد امید و سرزندگی در فرد و اجتماع، با تعمیق و گسترش انتظار پویا

و سازنده و آینده‌اندیشی مثبت؛

۱۳. برقراری انس و ارتباط قلبی با امام عصر و ایجاد پیوند و همسویی

تربیت شوندگان با ایشان؛

۱۴. توشل به امام زمان علیه السلام و استمداد از او در جهت تربیت نفوس رحمانی

و ....

در پایان بیان این نکته، بایسته است که «جامعه مهدوی»، حیات و

بالندگی خود را مدیون «نظام امامت» - به خصوص اندیشه مهدویت -

می‌داند و به همین جهت آموزه‌های آن را چراغ راهنمای خود قرار می‌دهد

و به جهت اینکه امام و حجّت خدا را زنده و حاضر و ناظر می‌داند،

می‌کوشد تمامی برنامه‌ها و ایده‌های خود را براساس آن سامان دهد و

شکل ببخشد.

پس وقتی بحث از «تربیت ولایی و امامت محور» مطرح است؛ یعنی

اینکه، زیربنا و شالوده تعلیم و تربیت، «ولایت مداری»، «امام شناسی»،

«موعود باوری» و توجّه به ولایت باطنی ائمه علیهم السلام و حاکمیت الگوهای

اعتقادی است.

اهمیت و جایگاه این بحث را با کلام زیبایی از امام خمینی به پایان می‌بریم:

«انسان اگر به همین حد طبیعت بود و بیشتر از این چیزی نبود، دیگر احتیاج به اینکه یک چیزی از عالم غیب برای انسان فرستاده بشود تا انسان را تربیت بکند، تربیت آن ورق را بکند، چون آن ورق نبود احتیاج هم نبود؛ لکن چون انسان مجرد از این عالم طبیعت یک حقیقتی است، همین خود خصوصیتی که در انسان هست، دال بر این است که یک ماورایی از برای این طبیعت هست. چون انسان یک ماورایی دارد و به حسب براهینی که در فلسفه ثابت است، ماورای این طبیعت در انسان هست و انسان دارای یک عقل بالامکان مجرد و بعد هم مجرد تام خواهد شد، تربیت آن ورق که ورق معنوی انسان باشد، باید کسی این تربیت را بکند که علم به آن طرف، علم حقیقی به آن طرف طبیعت و آن طرف هست، آن روابط را بتواند ادراک بکند و آن بشر نیست، بشر ندارد. همین قدر مورد طبیعت را او می‌تواند ادراک بکند، هرچه ذره‌بین بیندازند، ماورای طبیعت با ذره‌بین دیده نمی‌شود. آن محتاج به آن است که یک معانی دیگری در کار باشد و چون این روابط بر بشر مخفی است و خدای تبارک و تعالی که خالق همه چیز است، این روابط را می‌داند؛ از این جهت به وحی الهی برای یک عده‌ای از اشخاصی که کمال پیدا کرده‌اند و کمالات معنویه را دنبالش کردند و فهمیدند، روابطی حاصل می‌شود مابین انسان و عالم وحی. به او وحی می‌شود و برای تربیت آن ورق دوم انسان بعث می‌شوند. اینها، می‌آیند در بین

مردم و مردم را تربیت می خواهند بکنند.»<sup>۱</sup>

## شش. فراگیری و چند بعدی بودن تربیت

یکی از بایسته‌های مهم تربیتی در جامعه مهدوی، این است که همه افراد آن، باید از رشد و بالندگی هماهنگ و همدلانه برخوردار باشند و در یک مسیر واحد و با یک اندیشه متعالی، در تحقق مدینه فاضله بکوشند. مدینه فاضله و جامعه آرمانی کامل و الهی، تنها در عصر ظهور در سراسر زمین به وجود خواهد آمد؛ اما شکل‌گیری آن در جامعه منتظر نیز امری ممکن و پسندیده است. زیربنای شکل‌گیری این اجتماع الهی، همسانی و برابری تک‌تک افراد در لزوم اصلاح رفتارها و افکار است. وجود هر گونه زمینه ناراستی و تباهی، همگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب انحطاط و فساد دیگران می‌شود. به همین جهت، تعلیم و تربیت در جامعه مهدوی، هم باید فراگیر و همگانی باشد و هم تمامی ابعاد و زوایای فکری، اخلاقی، اعتقادی، عملی و حتی عاطفی افراد جامعه را در سطوح مختلف شامل شود. دقت در این نکته روشن، ما را به این مسأله رهنمون می‌شود که وجود نوابت (انسان‌های هرز) و مفسدان در مدینه فاضله منتظر و یا افکار و باورهای ناشایست و غیر انسانی، مانع بزرگی فراروی رشد و بالندگی آن جامعه است و تنها راهکار برون رفت از این مشکل، لزوم برنامه‌ریزی جمعی و فراگیر و چند بعدی برای اصلاح عادت‌ها و رویه‌های

ناسالم و تربیت همگانی و جمعی است. بی تفاوتی و بی توجهی به اقشار مختلف جامعه. به خصوص قشرهای مرفه و دین گریز و اخلاق ستیز. آفتی است که تأثیرات سوئی بر فرهنگ عمومی دارد و از آنجایی که آنان تأثیرات فراوانی بر دیگران دارند، مانع و تربیت صحیح در جامعه هستند. در تعلیم و تربیت مهدوی، هیچ کس و در هیچ حال از دایرة «نظام اصلاحی و تربیتی» خارج نبوده و هیچ قشر و گروهی، به حال خود رها نخواهند شد.

در این نظام، همه آحاد بشر- چه کوچک و چه بزرگ؛ چه دانشمند و چه کم سواد، چه ثروتمند و چه فقیر؛ چه در شرق و چه در غرب- تحت تأثیر برنامه های فرهنگی و تربیتی بوده و همه ابعاد اخلاقی آنان دگرگون خواهد شد. نمی توان در اندیشه یک آرمان شهر الهی و فضیلت محور جهانی بود؛ اما بخش های تأثیرگذار و قدرتمند جامعه را به حال خود رها نمود و چشم بر خطرات و کژتابی های اخلاقی و حتی انحراف گری های آنان بست!! صالح و فاجر در این جامعه الهی، باید در مسیر کمال و تعالی قرار گیرند و به هیچ عنوان نمی توان وجود مفسدان و تباه گران را در جامعه برتابید!!

اگر تعلیم و تربیت صرفاً حالت رسمی و نهادی به خود گرفت و تنها شامل بخش ها و گروه های خاص در جامعه شد- به خصوص کودکان و نوجوانان طبقه متوسط- شاهد ناکارآمدی و ضعف آن خواهیم بود! اگر همه نهادهای رسمی و غیررسمی تعلیم و تربیت (به خصوص نهادهای فرهنگی و مذهب) به صورت جدی و فراگیر وارد این عرصه نشوند و به همه افراد و گروه ها و طبقات- البته کم سالان- توجه نکنند و تمامی ابعاد و زوایای فکری و روحی

آنها را مدنظر قرار ندهند، نتیجه‌ای جز اضطراب، چندگانگی فرهنگی، کژتابی‌های طبقاتی و... حاصل نخواهد شد. تعلیم و تربیت مهدوی، مبتنی بر پرورش ظرفیت‌ها و استعداد‌های اخلاقی همه اقشار و افراد و حکمت‌آموزی و خردپروری همگانی است.

در این راستا همه نهادهای فرهنگی - تربیتی باید به صورت پویا و فعال، برای تمام گروه‌ها و افراد، برنامه‌های مناسب آموزشی، تبلیغی، ترویجی، اخلاقی و... داشته باشند و به طور مستقیم یا غیرمستقیم، آموزه‌های والای دینی انتقال دهند.

جامعه در عین حال که از یک کلیت واحد برخوردار است و می‌توان برای عموم مردم برنامه‌های واحد داشت؛ اما در عین حال از سلیق، هنجارها، آداب، عادات و خصایص ویژه و متفاوتی نیز برخوردارند که باید به آنها توجه کرد و حتی برای ناصالحان و هنجارگریزان، آموزش‌های جدی‌تر و کامل‌تری ارائه نمود و دایره تعلیم و تربیت را گسترش داد. چنان که امام مجتبی علیه السلام درباره امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«یَدِينُ لَهُ عَرْضُ الْبِلَادِ وَ طَوْلُهَا لِأَيُّقَى كَافِرِ الْأَمْنِ بِهِ وَ لَطَالِحُ الْأَصْلَحِ»؛ «عرض و طول شهرها برایش خاضع می‌شوند؛ به طوری که هیچ کافری نمی‌ماند، مگر اینکه ایمان می‌آورد و انسان ناشایستی نمی‌ماند، مگر اینکه صالح و نیک کردار می‌گردد».

براین اساس در جامعه منتظر، باید گروه‌بند‌های خاص فرهنگی صورت گیرد تا بتوان برای هر کدام جداگانه برنامه تربیتی - اخلاقی ارائه داد؛ از

جمله:

الف. گروه‌های هنجارگرا

ب. گروه‌های هنجارگریز که بسیاری از گروه‌های سنی (کودک، نوجوان، جوان و میان سالی) را در برمی گیرد.

در تقسیم دیگر می‌توان گروه‌های زیر را برای تربیت در نظر گرفت:

الف. گروه‌های باورمند (دین‌گرا)

ب. گروه‌های کم‌باور (ضعیف‌الایمان)

ج. گروه‌های طغیان‌گر (پرفساد)

د. گروه‌های پوچ‌گرا (بی‌بنیان)

ه. گروه‌های معنویت‌ستیز (افسادگر) و ...

اینها عموماً گروه‌های سنی جوان و میان سال هستند که باید کار جدی اعتقادی و دینی برای آنها انجام داد و زمینه‌های تکامل اخلاقی، عاطفی و وجدانی را در آنها به وجود آورد.

### بایسته‌های تربیت فراگیر

با توجه به این رویکرد، تربیت فراگیر و چند بعدی در محورهای مختلفی قابل تحقق و پیگیری است؛ از جمله:

**یکم. تربیت، باید همه سنین و جنسیت‌ها را شامل بشود.**

تربیت، امری پویا، مستمر، مداوم و فعال است و به همین جهت باید همیشگی و همگانی باشد و برای هر سنی، در هر زمان و موقعیتی برنامه مناسب و بایسته ارائه دهد و هیچ یک از گروه‌های سنی - به خصوص



جوانان - را از دایرهٔ پرورش خود خارج نسازد. امام خمینی علیه السلام در این باره می گوید:

«ما هم باید به تبع اسلام تربیت کنیم جوانان خودمان را، تربیت کنیم بانوان خودمان را. بانوان ما تربیت کنند اطفال خودشان را در دامن خودشان. وقتی که بزرگ شدند، تربیت کنند آنها را تا برسند به آن وقتی که برومند شوند و برای اسلام و برای انسانیت خدمتگزار باشند.»<sup>۱</sup>

و «جوان ها جدیدالعهد هستند به ملکوت عالم و نفوسشان پاک تراست و هرچه بالاتر بروند. اگر چنانچه مجاهده نکنند و تحت تربیت واقع نشوند. هر قدمی که به بالا بردارند و هر مقداری که از سنشان بگذرد، بعیدتر می شود از ملکوت اعلی و اذنانشان کدورتش بیشتر می شود و لهذا تربیت ها باید از اول باشد. از همان کودکی تحت تربیت انسان قرار بگیرد و بعد هم در هر جا که هست، یک مربی هایی باشند که تربیت کنند انسان را و تا آخر عمر هم انسان محتاج به این است که تربیت بشود.»<sup>۲</sup>

دوم. تربیت شامل همهٔ ابعاد و زوایای انسان باشد.

تربیت فراگیر، تربیتی است که همهٔ نیازها و ابعاد وجودی انسان را در نظر بگیرد و او را در ریشه کنی کاستی ها و نواقص مادی و معنوی راهنما باشد. انسان هم بعد مادی دارد و هم بعد معنایی؛ هم نیازهای مادی دارد؛ هم نیازهای فرامادی؛ هم باید در معنویات پیشرفت کند و هم در مادیات... اما نکته بایسته این است که در جنبه های یاد شده چگونه باید رشد

---

۱. صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۸۳.

۲. همان، ج ۱۴، ص ۱۰۲.

متوازن، متناسب، متعادل، هماهنگ و اثرگذاری داشت؟! امام خمینی رحمته الله علیه در این باره نکات زیبایی بیان می‌کند:

«اسلام نه دعوتش به خصوص معنویات است و نه دعوتش به خصوص مادیات است، هر دو را دارد؛ یعنی اسلام و قرآن کریم آمده‌اند که انسان را به همه ابعادی که انسان دارد بسازند او را، تربیت کنند او را.»<sup>۱</sup>

و «اسلام علاوه بر اینکه بشر را در روحيات غنی می‌کند، در مادیات غنی می‌کند. اسلام دین سیاست است، قبل از اینکه دین معنویات باشد. اسلام همان طوری که به معنویات نظر دارد و همان طوری که به روحيات نظر دارد و تربیت دینی می‌کند و تربیت نفسانی می‌کند و تهذیب نفس می‌کند، همان طور به مادیات نظر دارد و مردم را تربیت می‌کند در عالم که چطور از مادیات استفاده کنند و چه نظر داشته باشند در مادیات. اسلام مادیات را همچو تعدیل می‌کند که به الهیات منجر می‌شود. اسلام در مادیات به نظر الهیات نظر می‌کند و در الهیات به نظر مادیات نظر می‌کند. اسلام جامع مابین همه جهات است.»<sup>۲</sup>

سؤم. تربیت همه خواسته‌ها و عواطف انسان را در نظر بگیرد.

تعلیم و تربیت باید رشد متوازن و هماهنگ کل شخصیت انسان را از خلال تربیت روحی، خود عقلانی، هیجانان و احساسات بدنی پی‌گیری کند؛ بنابراین تعلیم و تربیت، باید تمام ابعاد وجود؛ یعنی، روحی، عقلانی، تخیلی، جسمانی، علمی و زبانی را هم به طور فردی و هم جمعی رشد داده

۱. همان، ج ۲، ص ۲۲۷.

۲. همان، ج ۵، ص ۲۴۱.

و به سوی خیر و دستیابی به کمال راهنمایی کند. هدف نهایی تعلیم و تربیت اسلامی، به طور کلی نیل به کمال تسلیم در برابر خداوند در سطوح فردی، اجتماعی و انسانیت است. امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«اسلام برای ساختن انسان آمده است. کتاب آسمانی اسلام که آن قرآن مجید است، کتاب تربیت انسان است. انسان را به همه ابعادی که دارد، به بُعد روحانی و به بُعد جسمانی، بُعدهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، همه بُعدها، ... اسلام آمده است که به ما راه تربیت را نشان بدهد.»<sup>۱</sup>

چهارم. تربیت، دنیا و آخرت را با هم در نظر بگیرد.

تربیت واقعی، آن است که هم انسان را برای زندگی اخروی آماده سازد و در عین حال زندگی پاکیزه، شایسته و شکوهمندی در این دنیا به ارمغان آورد. زندگی انسان در دنیا – هرچند مقدمه‌ای برای حیات ابدی اخروی است – ولی خود نیز دارای ارج و اهمیت است و باید برنامه مناسب و زیبایی برای آن ارائه گردد. امام خمینی علیه السلام در این باره می‌گوید:

«هزاران احادیث از پیغمبر اسلام و پیشوایان دینی رسیده که انسان را راهنمایی به اسرار توحید و معرفت می‌کند و مشکلات زندگانی دو جهان را برای انسان آسان می‌کند و کلید درهای فضایل و کمالات را به رایگان به دست انسان می‌دهد.»<sup>۲</sup>

و «دین منزل حیوانی را به منزل انسانی تبدیل می‌کند ... اگر مقصود از زندگی، زندگانی پرافتخار با شرف انسانی است که از ستمکاری‌ها و خلاف وظیفه‌ها و قانون شکنی‌ها و عفت سوزی‌ها

---

۱. همان، ج ۵، ص ۲۸۳.

۲. کشف الاسرار، ص ۳۲۴.

برکنار باشد، دین برای سازمان همان آمده و با آن می‌سازد.»<sup>۱</sup>

## هفت. آیینی و دین‌گرا بودن تربیت

یکی از وجوه بارز تعلیم و تربیت مهدوی، دین‌گرا بودن آن است؛ یعنی این نوع تعلیم و تربیت مبتنی بر آموزه‌های راستین دین اسلام و تقویت ایمان و باورهای آیینی و منطبق با رهنمودها و تعالیم قرآن است. تعلیم و تربیت موفق و کارآمد، آن است که از منبعی متعالی و کامل سرچشمه گرفته و برای بالندگی روحیه خداپرستی، ایمان به غیب، توجّه به خود واقعی انسان و تسلیم شدن در برابر معبود بیگانه و کرامت و عزّت نفس باشد. از سوی دیگر مسیر اصلاح انسان و روش‌های تربیتی آن، برگرفته از قرآن و سایر منابع دینی باشد؛ یعنی، روش‌ها و نگرش‌های تربیتی و اصلاح‌گرایانه انسان، مبتنی بر اصول و قواعدی باشد که در نصوص دینی وجود دارد و راه روشن‌هدایت و فرزاندگی را در کشف و استخراج و اجرای درست آنها بداند. تعلیم و تربیت مهدوی – که باید در رأس برنامه جامعه شیعی قرار گیرد– دین‌گرا و دین‌محور است و بر عمل به آیین جهان شمول و کامل اسلام پافشاری می‌کند. شرط موفقیت جامعه منتظر در تعلیم و تربیت، الگوگیری از آموزه‌های حیات‌بخش مهدوی و تکیه بر اصول بنیادین اسلام است. در روایت زیبایی آمده است:

۱ «فلا یبقی موضعُ قَدَمٍ إِلَّا وَطَنُهُ وَ أَقَامَ فِیهِ الدِّینَ الْوَاجِبَ لِلَّهِ»؛  
«جای پای در روی زمین نمی ماند، جز اینکه مهدی علیه السلام آنجا گام  
می نهد و آیینی را که از سوی خداوند واجب گشته، اقامه  
می کند.»

البته شاید بتوان از یک سری روش های عرفی و تجربی نیز بهره گرفت و  
در پیشبرد امور از آنها استفاده کرد؛ ولی زیربنا و شالوده، باید همان «دین  
محوری» و ارائه زیبایی ها و فرصت های آیینی باشد. یکی از پایه های  
کاستی جوامع مسلمان، بیگانگی آنها با آموزه های ناب اسلامی و عدم  
تحقق کامل تعالیم و آموزه های وحیانی در اجتماع و بین آحاد مردم است و  
هر اندازه این جوامع از معارف الهی دور باشند، به همان اندازه عقب  
مانده تر و ضعیف تر خواهند بود.

آیت الله خامنه ای می فرماید:

«باید آن راز سعادت جامعه را، که گرد آمدن بر محور ایمان به  
خداست، در زندگی و نظام اجتماعی خودمان، هر لحظه قوی تر و  
برجسته تر کنیم، ملت را به سمت تربیت اسلامی بیشتر و  
عمیق تر سوق بدهیم. عناصر جوان جامعه را به تربیت اسلامی،  
تربیت بکنیم؛ دانشگاه های ما وظیفه تربیت جوان مسلمان و  
متخصص و عالم مسلمان - نه صرفاً عالم - را بر دوش خودشان  
احساس کنند. مدارس ابتدایی هم همین طور کاری کنیم که در  
جامعه، ارزش های اسلامی، ارزش های مطلق به حساب بیاید و  
همه ارزش های دیگر، در مقابل آنها کم رنگ باشد.»<sup>۲</sup>

۱. یوم الخلاص، ج ۲ ص ۶۳؛ الزام الناصب، ص ۲۱۸.

۲. حدیث ولایت، ج ۵، ص ۱۰۷.

«انسان امروز، با انسان هزار سال قبل، با انسان ده هزار سال قبل، از لحاظ نیازهای اصلی هیچ تفاوتی نکرده است. نیازهای اصلی انسان یک چیز است، انسان امنیت می‌خواهد، آزادی می‌خواهد، معرفت می‌خواهد، زندگی راحت می‌خواهد، از تبعیض گریزان است، از ظلم گریزان است. نیازهای متبادر زمانی، چیزهایی است که چهارچوب اینها و زیر سایه اینها ممکن است، تأمین بشود. این نیازهای اصلی، فقط به برکت دین خداست که تأمین می‌شود.»<sup>۱</sup>

نهادهای و اشخاصی که درصد تحقق رویکرد مهدوی در عرصهٔ تعلیم و تربیت هستند، باید به این نکته مهم توجه کنند که زیربنای دانایی و پارسایی انسان، تدین و آیینی بودن و آیینی اندیشیدن است و به همین جهت مهم‌ترین برنامهٔ حضرت مهدی علیه السلام، گسترش و حاکمیت اسلام در جهان و اجرای کامل دستورات و آموزه‌های آن است. براین اساس ابتدا باید روح و حقیقت مذهب را درک کرد و آن گاه این روح را در کالبد فرد و جامعه دمید و تصویر زیبایی از زندگی دینی و رفتارهای سالم و ایمانی ارائه داد. روح دین اسلام، تقوا، الفت و پیوند دنیا و آخرت، یکتاپرستی، تسلیم و ... است و نهادهای فرهنگی و آموزشی، باید این آموزه‌ها را به روشنی و زیبایی، در کالبد جامعهٔ فرسوده و کژآلود بدمند و روح و روانی تازه به آن بخشند. براساس روایات: «هنگامی که [قائم] خروج می‌کند، اسلام را بر یهود، مسیحیان، صابئین، بی‌دینان، مرتدان و کافران از شرق و غرب زمین عرضه می‌دارد. پس اگر کسی با علاقه اسلام آورد، او را به نماز، زکات و آنچه در

---

۱. تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، ج ۱، ص ۶۸.

اسلام هست (اعمال صالحه و نیک) و خداوند آن را واجب کرده، امر می‌کند...»<sup>۱</sup>

### ویژگی‌های تربیت دینی

ویژگی‌های تربیت دینی در جامعه مه‌دوی را چنین می‌توان شمارش کرد:

الف. باور به جامعیت و کمال دین اسلام؛

ب. شناخت معارف و حقایق الهی با مراجعه به منابع معتبر و اصیل دینی؛

ج. تحقق اصول و قواعد پایدار و بنیادین اسلام بدون سستی و کاستی؛

د. توجه به جایگاه دین در گذر دادن انسان از زندگی حیوانی به زندگی متعالی و شکوهمند؛

ه. عدم تفسیرهای نادرست و تغییر و تبدل‌های ناروا در ارکان و اصول ثابت دینی؛

و. پایبندی و پایمردی در عمل به همه تعالیم و آموزه‌های دینی و عدم چند پارگی و تبعیض در آنها؛

ز. تضعیف نکردن دستورات شریعت در مقام ایده و نظریات اشخاص و مکاتب؛

ح. تبیین روشن و بدون ابهام دین و خواست‌های واقعی آن از انسان‌ها  
...و

امام خمینی علیه السلام در این باره فرموده است:

«دین منزل حیوانی را به منزل انسانی تبدیل می‌کند و آن با

---

۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳.



زندگانی حیوانات سر خود نمی‌سازد. دین لجام بر سر حیوانات افسارگسیخته می‌زند و آن با زندگانی امروز شما نمی‌سازد. دین بی‌عفتی‌ها و ستمکاری‌ها را از جهان برمی‌چیند و آن با زندگانی شماها نمی‌سازد و اگر مقصود از زندگی، زندگانی پرافتخار باشرف انسانی است که از ستمکاری‌ها و خلاف وظیفه‌ها و قانون‌شکنی‌ها و عفت‌سوزی‌ها برکنار باشد، دین برای سازمان همان آمده و با آن می‌سازد.»<sup>۱</sup>

### جایگاه واقعی تربیت دینی

تعلیم و تربیت اسلامی را در مفهومی کاملاً واقعی، می‌توان نوعی کوشش و جهاد تلقی کرد. گاهی «جهاد» در اصل به معنای تلاش و مبارزه کردن یا جد و جهد نمودن در طریق الهی است. این امر اصلی‌ترین هستهٔ تربیت اسلامی است. در وهلهٔ اول باید این موضوع درک شود که جهاد امری باطنی و تلاش و کوشش درونی هر فرد معتقد در برابر خود محوری، حرص و طمع و هر نوع خواستهٔ شیطانی است. در مرحلهٔ بعد جهاد تلاشی بیرونی و خارجی در مقابل شرّی است که در سطح وسیع در اجتماع نمایان شده است.

جهاد تلاشی برای الگو قرار دادن اصول قرآن، سنّت و شریعت در زندگی به منظور برقراری ارتباط صحیح با خداوند، دیگر انسان‌ها و طبیعت است؛ از این رو جهاد سبب نظم، عدالت و رعایت حقوق و آزادی‌های مربوط به هر فرد خواهد شد. نگاه به جهاد از این منظر، آن را تلاش و مبارزه‌ای در

---

۱. کشف الاسرار، ص ۲۳۴.

برابر احساس بیگانگی سه جانبه‌ای قلمداد می‌کند که ویژگی شرایط زندگی کنونی ما انسان‌ها است (احساس بیگانگی از خدا، دیگران و طبیعت).

در این رابطه توجه به چند نکته، بایسته است:

یکم. دین یکی از جنبه‌های مهم زندگی انسان به شمار می‌آید. وجه ممتاز انسان از حیوان، این است که می‌تواند براساس مذهب به تعمق بپردازد. انسان در دنیای مادی کنونی، به شدت نیازمند مذهب است؛ زیرا وی نمی‌تواند از طریق لذایذ دنیوی - که هیچ پایانی برای آن نیست - به سعادت نایل شود.

در سایه لذایذ دنیوی تمایل به مادیات افزایش می‌یابد. در این هنگام است که باید مذهب جایگاهی در تربیت داشته باشد؛ زیرا انسان تنها از طریق مذهب با بی‌محتوایی امور دنیوی آشنا می‌شود. دروسی از قبیل تاریخ، جغرافی، علوم، ریاضیات و دیگر موضوعات علمی که آموزش داده می‌شوند، فقط ما را به رفع نیازهای مادی قادر می‌سازند. این علوم سبب رشد و پرورش ذهن می‌شوند؛ اما همواره جنبه معنوی شخصیت انسان دور از دسترس آنها است؛ لذا تربیت دینی موجب اعتلای ارزش‌های انسانی است.

دوم. امروزه ما به دلیل فقدان احساسات صادقانه مذهبی، دچار بسیاری از شرارت‌های اجتماعی شده‌ایم. این شرارت‌ها به صورت عدم تحمل دیگران، دشمنی، خودخواهی و ... هم در سطح ملی و هم بین‌المللی متجلی می‌شوند. در این میان تنها مذهب است که به ما کمک می‌کند، تا این شرارت‌ها را ریشه‌کن سازیم.

سوم. دین را نباید تنگ‌نظرانه تلقی کرد. تربیت دینی به معنای تربیت در یک دین خاص نیست؛ بلکه مراد از تربیت دینی تأکید بر جوهره همه ادیان است. اگر مذهب در قالب احساس خالی از تعصب مطرح شود، آن گاه می‌تواند تمام شرارت‌ها را از بین ببرد. برگزاری آیین‌های مختلف در مدرسه، نباید در قالب آموزش دینی صورت گیرد؛ بلکه باید بر آرمان‌های اصلی که بین تمام انسان‌ها مشترک است، تأکید شود. تنها از این طریق است که تربیت دینی ثمر می‌دهد.

چهارم. امروزه نقایصی را در پایبندی به فضیلت‌های دینی مشاهده می‌کنیم؛ زیرا مردم از خدا و دین فاصله گرفته‌اند. دین نقطه محوری است که از طریق آن تعلیم و تربیت می‌تواند موجب پرورش فضیلت‌های مختلف شود، به نحوی که مردم در اکثر کشورهای پیشرفته به دلیل زیاده‌طلبی در ثروت‌اندوزی، دچار کشمکش ناشی از دو جنگ جهانی شدند. این کشمکش‌ها چنان گسترش یافته که حتی زمان حال را نیز فرا گرفته است. به راستی اگر دین و سنت معنوی خود را رها کرده و به دنبال این کشورها برویم، چه سرانجامی در انتظار ما است؟ پیروی از دین و آکنده شدن از اشتیاق معنوی، به هیچ وجه به معنای گرسنگی کشیدن و در انتظار مرگ به سر بردن نیست. بحثی در این مطلب نیست که باید قبل از گام برداشتن در درجات عالی معنوی، جسم و بدن خود را پرورش دهیم. امروزه کشف تعادل بین معنویت و مادیت امری ضروری است و ما تنها از طریق تربیت می‌توانیم به این تعادل دست یابیم؛ از این جهت

است که تربیت باید رنگ مذهب انسانی داشته باشد.

## هشت. تعادل بخش و اعتدال گرا بودن تربیت

یکی از آموزه‌های تربیتی «اندیشه مهدویت»، تعادل و اعتدال در روش‌ها و رویکردهای تربیتی و ایجاد جامعه متعادل، عادلانه و متوازن است؛ یعنی، سامان بخشی به رفتارها و گفتارهای ناراست، کژتابی‌ها و افراط و تفریط‌ها در زندگی فردی و اجتماعی. «عدالت» ویژگی بارز در جامعه آرمانی و رکن اساسی در تعلیم و تربیت مهدوی است و ابعاد و مؤلفه‌های گوناگونی دارد. بارزترین وجوه این نوع تعلیم و تربیت، ایجاد اعتدال در رفتارها، میانه‌روی و تعادل در خواسته‌ها و امیال، اقتصاد و میانه‌روی در بهره‌وری از امکانات، تعدیل آمال و آرزوها و... است.

انسان باید در زندگی فردی، دارای ملکه عدالت باشد و در جامعه هم باید به گونه‌ای باشد که هرکس بتواند، به حق خود برسد و به کسی، حتی دشمنان هم ظلم نشود. قرآن به صراحت می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾؛ «همانا خدا [خلق را] فرمان به عدل و احسان می‌دهد و به بذل و عطای خویشاوندان امر می‌کند و از افعال زشت و منکر و ظلم نهی

می‌کند و به شما از روی مهربانی پند می‌دهد؛ باشد که موعظه خدا را بپذیرید».

با تمسک به این آیه، می‌توان اذعان داشت که اصول تفکر تربیت اسلامی، چهارچوب عامی را برای این گونه ارتباط در نظر گرفته است. عدل پایین‌ترین حدّ ارتباطات بین بنی‌آدم است و تمسک به آن، زمانی تجویز می‌شود که منازعات شدید رخ داده و انسان‌ها قربانی خشم و غضب و ظلم و جور گردند و یا زمانی که هوس و شهوت، سبب خیره‌سری انسان‌ها شود. عدل بخش‌هایی دارد که بعضی نسبت به بعضی دیگر گسترده‌تر می‌باشد و درجات آن براساس میزان پیشرفت انسان تعیین می‌گردد:

۱. عدل با خود؛
۲. عدل با خانواده؛ «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَتْنِي وَثَلَاثَ وَرَبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً»<sup>۲</sup>
۳. عدل با نزدیکان: «وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى»<sup>۳</sup>
۴. عدل در گستره ملت یا امت و اجتماعی که فرد یا گروه با آن سرو کار دارد: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ... فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»<sup>۴</sup>
۵. عدل در حوزه تمام انسان‌ها: «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ»

---

۱. تعلیم و تربیت دینی، ص ۱۰۰.

۲. نساء (۴)، آیه ۳.

۳. انعام (۶)، آیه ۱۵۲.

۴. حجرات (۴۹)، آیه ۹.

و....

عدل در جمیع حالات مطلوب است. شیوع عدل با دشمنان و دوستان، در هنگام دشمنی‌ها و بدرفتاری‌ها یا خوش‌رفتاری‌ها، نشان دهنده همبستگی، کمال و استقامت است.<sup>۲</sup>

عدالت بیش از آنچه، آثار بیرونی و فیزیکی داشته باشد؛ آرام‌بخش، تنظیم‌کننده، متعادل و متوازن‌کننده انسان است؛ صفاتی که بشر برای داشتن یک زندگی ایده‌آل و متناسب با شئون مختلف خود به شدت نیازمند آنها می‌باشد.

به همین جهت است که بین شکل‌گیری جامعه مطلوب جهانی و تحقق فراگیر و کامل عدالت، پیوند مستقیمی وجود دارد و همه اینها به دست امام زمان صورت می‌گیرد. امام خمینی در این باره می‌گوید:

«وقتی که ایشان ظهور کنند ان شاء الله (خداوند تعجیل کند در ظهور او) تمام بشر را از انحطاط بیرون می‌آورد، تمام کجی‌ها را راست می‌کند: «یَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ جَوْرًا». همچو نیست که این عدالت همان که ماها از آن می‌فهمیم که نه یک حکومت عادلانه باشد که دیگر جور نکند آن، این هست؛ اما خیر، بالاتر از این معناست. معنای «یَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ جَوْرًا» الآن زمین و بعد از این، از این هم بدتر نشاید بشود، پراز

۱. نساء (۴)، آیه ۵۸.

۲. رک: نحل (۱۶)، آیه ۷۶: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجَّهُهُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ».

۳. زمین را پر از عدل می‌کند بعد از آنکه پر از جور و ظلم شده بود. اصول کافی؛ ج ۱، (کتاب الحجج؛ باب ما جاء اثني عشر والنص عليهم - عليهم السلام - ح ۱ ص ۵۲۵). (قریب به مضمون حدیث فوق با این متن: یملأها عدلاً كما ملئت جوراً).

جور است، تمام نفوسی که هستند انحرافات در آنها هست؛ حتی نفوس اشخاص کامل هم در آن انحرافات هست ولو خودش نداند، در اخلاق‌ها انحراف هست، در عقاید انحراف هست، در اعمال انحراف هست و در کارهایی هم که بشر می‌کند، انحرافش معلوم است و ایشان مأمورند برای اینکه تمام این کجی‌ها را مستقیم کنند و تمام این انحرافات را برگردانند به اعتدال که واقعاً صدق بکند «یملأ الارض عدلاً بعد ما ملئت جوراً». از این جهت این عید، عید تمام بشر است. بعد از اینکه آن اعیاد، اعیاد مسلمین است این عید، عید تمام بشر است، تمام بشر را ایشان هدایت خواهند کرد ان شاء الله و ظلم و جور را از تمام روی زمین برمی‌دارند به همان معنای مطلقش؛ از این جهت این عید، عید بسیار بزرگی است که به یک معنا از عید ولایت حضرت رسول ﷺ که بزرگ‌ترین اعیاد است، این عید به یک معنا بزرگ‌تر است».<sup>۱</sup>

در این نگرش تربیتی، حد وسط اخلاق و رفتارها در نظر گرفته می‌شود و به همین جهت همواره از دو حد افراطی، منع می‌کند:

۱. انکار زاهدانه و مرتاضانه که ضمن نفی امر مادی، بر امر رازوارانه و فراطبیعی تأکید دارد؛

۲. ابرام و اصرار مادی‌گری که ضمن نفی امر فراطبیعی و عرفانی، بر تجربه و علم به عنوان بالاترین ارزش پافشاری می‌کند.

تعلیم و تربیت مهدوی، با رشد کاملاً هماهنگ و یکپارچه شخصیت سر و کار دارد و شامل امور معنوی، جسمانی، عقلانی، اجتماعی و قابلیت‌های



اخلاقی که دربرگیرنده کل وجود انسان است، می‌شود و در واقع بین همه این ابعاد، اعتدال و توازن و تناسب برقرار می‌کند.  
امام خمینی در این باره به روشنی می‌گوید:

«انسان دو جنبه دارد: جنبه معنوی و جنبه ظاهری. جنبه ظاهری همین است که می‌بینید و همین دنیاست که می‌بینید و همین مادیات است که مشهود است و جنبه معنوی جنبه دیگری است که ماورای این عالم است، در انسان است. اما انسان مجموعه همه عالم است. کأنه خدای تبارک و تعالی دو نسخه موجود فرموده‌اند: یک نسخه تمام عالم، یک نسخه کوچک این است. انسان عصاره همه موجودات عالم است؛ یعنی، در انسان همه چیز هست و خدای تبارک و تعالی توجه و عنایت فرموده است و منت گذاشته است بر انسان به اینکه پیغمبرانی فرستاده است؛ برای اینکه هم آن جهت معنویت را که اهم است و تمام نظر به اوست تربیت کند، تزکیه کند مردم را، تهذیب کند مردم را، تعلیم بدهد مردم را، حکمت تعلیم کند، کتاب تعلیم کند و هم این جهات مادی افسارگسیخته را مهار کند. اینها که مادی هستند، مادیت را به طور افسارگسیختگی، توجه به آن دارند و انبیا آمده‌اند که همین مادیات را و همین امورات مادی که انسان نسخه‌ای از آن هم هست، عصاره‌ای از آن هم هست و انسان را طوری تربیت کند که مادیات هم در مهار معنویات باشد. اصل اساس، معنویات اوست. اصل اساس این است که هیچ تعلیم و تربیتی در دنیا و هیچ رژیمی در عالم (از تمام رژیم‌ها که بگیرید) توجه به آن معنویت انسان ندارند...»<sup>۱</sup>

این افسارگسیختگی و یله بودن انسان در اخلاقیات و رفتارها، ناشی از عدم اعتدال و تعادل در قوای نفسانی و نبودن کنترل و تعدیل آنهاست. براین اساس باید آنها را مهار و متعادل کرد تا این افسارگسیختگی و هنجارگریزی ریشه کن شود و قوای نفسانی در مسیر صحیح قرار گیرد:

«انبیا اصلش آمده اند برای تزکیهٔ نفوس انسانی، تعلیم و تربیت کتاب و حکمت و مهار کردن این طبیعت که انسان قبل از مهار کردن طبیعت به دست انبیا به طور اصلاح همه چیز را می خواهد. در انسان کما اینکه یکی از موجودات عالم است که یک حیوانی است، منتها حیوان قابل تربیت. هیچ یک از چیزهایی که در انسان، قوایی که در انسان است، محدود نیست. انسان شهوتش محدود نیست به اینکه نظام داشته باشد مثل سایر حیوانات؛ بلکه از سایر حیوانات هم بدتر است. غضب انسان محدود نیست به اینکه در یک موردی اعمال غضب بکند. در یک موردی نکند، غیر محدود است. این مثل این است که سلطهٔ بر سایر کشورها، بر سایر گروه‌ها محدود نیست که با یک نظمی بر آنها غلبه کند، غیر محدود است. انسان شهوتش همچو غیر محدود است که هیچ مرزی ندارد، هیچ فرقی مابین افراد نیست. اگر غضب کند مرزی ندارد که در آن مرز محدود باشد. مهار تا نشود، تا اشخاصی که باید مهار کنند این قوای انسان را، تا مهار نکنند غیر محدود و مطلق است. انبیا آمده اند که با تعلیم و تربیت الهی و با تزکیهٔ نفوس، مهار کنند این قوه‌های غیر محدود انسان را.»<sup>۱</sup>

جامعه منتظر- با تأسی از تعلیم و تربیت مهدوی- باید بکوشد عدالت را به

معنای واقعی و فراگیر آن بر همه رفتارها، برنامه‌ها و آرمان‌ها حاکم کند و اعتدال و توازن واقعی را به زندگی برگرداند. ریشه بسیاری از کژروی‌ها و انحرافات، اعوجاج از خط و آرمان اصیل زندگی (خط توحید و پاکی) و گرفتار آمدن در دام افراط و تفریط و خروج از دایره عدل و توازن است. این حیات واقعی و متعادل را می‌توان از الگوی جامعه مهدوی، به دست آورد و بعضی از نارسایی‌ها و ناهنجاری‌ها را در پرتو آن اصلاح کرد:

«و یحییها بالقائم ﷺ فیعدل فیها فیحیی الارض بالعدل بعد موتها بالظلم»؛ «زمین را به وسیله قائم زنده می‌کند، پس او در آن عدالت می‌ورزد. در نتیجه زمین با عدالت او حیات می‌یابد؛ بعد از آنکه با ظلم مرده بود.»

با نبود عدالت در زندگی، مرگ اخلاقی و اجتماعی متوجه جوامع می‌شود؛ ولی با تحقق آن، جامعه از حیات و بالندگی واقعی برخوردار می‌شود و این بدان جهت است که اعتدال و تعادل، لازمه زندگی بشر- به خصوص در عرصه اخلاق و تربیت- است. خروج و طغیان انسان از حد میانه اخلاق و رسوم و ارزش‌ها، او را در ورطه فساد، ظلم، حیوانیت و... می‌اندازد و از مسیر درست خارج می‌سازد.

مهم‌تر از آن، باید به این نکته توجه داشت که برای دستیابی به این هدف والا، می‌توان از روش‌ها و شیوه‌های متعادل و عدالت‌گرا در تعلیم و تربیت بهره گرفت و از افراط و تفریط و کندروی و تندروی در این زمینه، دوری جست.

## دو بعد مهم عدالت

در معارف دینی، «عدالت» دارای نقشی اساسی، فراگیر و گسترده است. در واقع عدالت بیش از آنکه یک اصطلاح با معنای مشخصی باشد، فرهنگ و نظام پایداری است که ابعاد، مصداق‌ها و معانی مختلف - و در عین حال مرتبط به هم - دارد. مهم‌ترین بعد عدالت را می‌توان در نبود جور و ستم و حُکام جائز و مفسد و دیگری در تحقق معنویات و فضایل اخلاقی (حد متوسط غرایز و امیال انسانی) دانست. وقتی انسان از اسارت هوا و هوس‌ها خارج شد و از ظلم به خویشتن دست برداشت، در واقع عدالت را در وجود خود محقق کرده است و این نیاز به برنامه‌تربیتی کارآمد و بلندمدت دارد.

همچنین اگر از دست کارگزاران فساد و تباهی و عوامل جور و ستم، رهایی یافت و موانع تحقق عدل و قسط و تعادل را برطرف کرد، به عدالت نزدیک شده است. بیان رسا و جالبی از امام خمینی علیه السلام در این باره نقل شده است:

«انبیا هم که مبعوث شدند، برای این مبعوث شدند که معنویات مردم را و آن استعدادها را شکوفا کنند که در آن استعدادها بفهمند به اینکه چیزی نیستیم و علاوه بر آن مردم را، ضعف را از تحت سلطه استکبار بیرون بیاورند. از اول انبیا این دو شغل را داشته‌اند، شغل معنوی که مردم را از اسارت نفس خارج کنند، از اسارت خودش خارج کنند (که شیطان بزرگ است) و مردم و ضعف را از گیر ستمگران نجات بدهند. این دو شغل، شغل انبیاست. وقتی انسان حضرت موسی را، حضرت ابراهیم را ملاحظه می‌کند و چیزهایی که از اینها در قرآن نقل شده است، می‌بیند که اینها همین دو سمت را داشتند، یکی دعوت مردم به

توحید و یکی نجات بیچاره‌ها از تحت ستم. اگر- در- تعلیمات حضرت عیسی علیه السلام در این امر کم است، حضرت عیسی کم عمر کرد و کم تماس پیدا کرد با مردم. و الا شیوه او هم همان شیوه حضرت موسی است و همه انبیا و بالاترین آنها که رسول خدا صلی الله علیه و آله است، این دو شیوه را به عیان در قرآن و سنت و در عمل خود رسول الله می بینیم؛ قرآن دعوت به معنویات الی حدی که بشر می تواند به او برسد و فوق او و بعد هم اقامه عدل، پیغمبر هم و سایر کسانی که لسان وحی بودند، آنها هم این دو رویه را داشتند. خود پیغمبر هم عملش این طور بود، با آن روزی که حکومت تشکیل نداده بود، معنویات را تقویت می کرد. به مجرد اینکه توانست حکومت تشکیل بدهد و علاوه بر معنویات اقامه عدل کرد، حکومت تشکیل داد و این مستمندان را از زیر بار ستمگران تا آن قدر که اقتضا داشت وقت، نجات داد. و این سیره مستمره انبیا، باید کسانی که خودشان را تابع انبیا می دانند، این سیره مستمره باقی باشد. هم جهات معنوی که اشخاصی که با معنویات آشنا هستند، آنها باید تقویت بکنند و همه مردم را، خود مردم هم همین طور، جهات معنویات را تقویت بکنند و هم آن مسأله دوم که اقامه عدل است. حکومت اسلام باید اقامه عدل بکند، در عین حالی که معنویات را تصحیح می کند و ترویج می کند. و ما اگر تابع اسلام هستیم و تابع انبیا هستیم، این سیره مستمره انبیا بوده است و اگر تا ابد هم فرض کنید انبیا بیایند، باز همین است، باز جهات معنوی بشر تا آن اندازه‌ای که بشر لایق است، ادامه اقامه عدل در بین بشر و کوتاه کردن دست ستمکاران. و ما باید این دو امر را تقویت کنیم.»<sup>۱</sup>

به همین جهت‌ها و مؤلفه‌هاست که عدالت و قسط جایگاه بسیار برجسته و بنیادین در عصر ظهور دارد و وجه جامع رویکردهای تربیتی و اصلاحی امام زمان عجل الله فرجه به حساب می‌آید:

«مهدی از فرزندان من است، اسم و کنیه او، همانند اسم و کنیه من است. او شبیه‌ترین کس به من در ظاهر و باطن می‌باشد. او غیبتی دارد که مردم را به حیرت می‌اندازد. سپس چون شهاب آسمانی ظهور می‌کند و جهان را آکنده از عدل و داد می‌کند...»<sup>۱</sup>

این شهاب الهی، نورانیت عدالت و تعادل و اعتدال را در یک برنامه تربیتی و انسان‌ساز، در همه جای عالم منتشر خواهد کرد و جامعه منتظر نیز باید چنین باشد و در این راستا قدم بردارد.

---

۱. روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: کمال الدین، ج ۲، ص ۲۸۶.

## نه . قدسی و الهی بودن تربیت

تعلیم و تربیت از دیرباز مورد توجه همه اقوام و میل و مکاتب و آیین‌ها بوده است و هر یک در جهت تحقق اهداف و آمال خود، کم و بیش به این مسأله توجه نشان می‌دادند. هر کدام نیز براساس مبانی و رویکردهای خاصی به تعلیم و تربیت انسان‌ها پرداخته و مکاتب فلسفی مختلفی را در این زمینه به وجود آورده‌اند؛ از جمله:

۱. ایده آلیسم و انواع آن؛

۲. رئالیسم و انواع آن؛

۳. ماتریالیسم و انواع آن؛

۴. پراگماتیسم و انواع آن؛

۵. اگزیستانسیالیسم و ....

در هر حال در دوران‌های نخستین، تعلیم و تربیت بیشتر ابزاری برای ادامه بقا بود. کودکان و نوجوانان، مهارت‌های لازم برای زندگی کردن را فرا می‌گرفتند؛ اما به تدریج مردم از تعلیم و تربیت جهت اهداف گوناگون استفاده کردند. امروزه از تعلیم و تربیت، نه فقط در جهت ادامه بقا استفاده می‌شود؛ بلکه از آن برای بهره‌برداری بهتر از اوقات فراغت و

پالوده‌تر کردن امور اجتماعی و فرهنگی نیز استفاده می‌شود.<sup>۱</sup> اما دین اسلام نگاهی فراگیر، واقعی و دقیق به موضوع انسان دارد و علاوه بر انتقال آموزه‌های فرهنگی و اخلاقی، درصدد رشد و اصلاح رفتارها و پندارهای او برمی‌آید و از طریق تعلیم و تربیت، خواهان کمال و رستگاری او نیز هست. براین اساس مبانی و اصول تعلیم و تربیت دینی، قدسی و الهی است؛ یعنی، مبتنی بر یکتاپرستی، فرجام‌باوری، فضیلت محوری و کمال‌گرایی است. در اینجا، انسان به عنوان موجودی برتر تلقی می‌شود که دائماً در حال حرکت و بالندگی است و می‌توان با تربیت صحیح دینی، او را در مدار واقعی زندگی و حیات طیبه قرار داد. نگرش الهی به تعلیم و تربیت، باعث می‌شود که علاوه بر بعد مادی و دنیوی انسان، به بعد معنوی و اخروی او نیز توجه وافر شده، و تمامی رفتارها، گفتارها و پندارهای او در جهت رسیدن به سعادت جاوید قرار گیرد.

تربیت مهدوی، واجد این خصوصیت ویژه و برجسته است و از مبدأ لایتناهی اراده و خواست الهی سرچشمه می‌گیرد و همه انسان‌ها را متوجه آن منبع فیض و خیرات می‌کند. در نتیجه این تربیت الهی، آنان در مسیر درست و واقعی زندگی قرار می‌گیرند و علاوه بر بهره‌برداری از نعمت‌های سرشار مادی، از حیات معنوی و قدسی ویژه‌ای برخوردار می‌شوند. خداوند باری تعالی در شب معراج به حضرت محمد ﷺ فرمود:

**«ای محمد! ... تنها به وسیله قائم از شما، زمینم را به تسبیح و**

---

۱. ر.ک: هوارد اوزمن و سموئل ام. کراور، *مبانی فلسفی تعلیم و تربیت*، ترجمه گروه علوم تربیتی (قم)، مؤسسه امام خمینی، (۱۳۷۹)؛ محمود نیکزاد، *کلیات فلسفه تعلیم و تربیت* (تهران، کیهان، ۱۳۸۱).



تقدیس و تهلیل و تکبیر و تمجیدم آباد می‌کنم. تنها به واسطه او کلمه کسانی را که به من کفر می‌ورزند، در مرتبه پایین قرار می‌دهم و کلمه خود را در مرتبه والا.

تنها به واسطه او سرزمین‌ها و بندگانم را به دانشم زنده می‌سازم. تنها برای او به مشیتم گنج‌ها و اندوخته‌های [زمین] را آشکار می‌کنم. او را به اراده‌ام، بر رازها و نهانی‌ها چیره می‌گردانم. او را با فرشتگانم یاری می‌دهم تا بر تحقق بخشیدن امرم و آشکار ساختن آیینم، یاری‌اش نمایند. او ولی بر حق من و مهدی راستین بندگانم است.»<sup>۱</sup>

تعلیم و تربیت در جامعه منتظر نیز باید بر پایه تعلیم و تربیت مهدوی شکل بگیرد؛ یعنی، خاستگاه آن الهی و قدسی باشد و مهم‌ترین رویکرد آن، اعتلای کلمه توحید و بسط و گسترش تسبیح و تحمید الهی، در روی زمین و نقش بستن تهلیل و تکبیر بر دل‌ها و جان‌ها باشد. نگاه مادی و سودگرایانه به انسان و اجتماعی کردن او و تکیه بر آموزش‌ها و مهارت‌های زندگی آسوده و منظم، نگاهی ناقص و تک بعدی به انسان است و نمی‌تواند زمینه‌ساز رشد و بالندگی روحی و معنوی او شود؛ همان‌گونه که نگاه صرفاً باطنی و روحی به انسان، نمی‌تواند موجب راحتی و سعادت‌مندی او در زندگی دنیوی - و حتی اخروی - باشد. با این حال اصل قدسی و الهی بودن تعلیم و تربیت، باید در اولویت برنامه‌های فرهنگی و آموزشی باشد.

امام خمینی علیه السلام در این باره می‌گوید:

«از تمام رحمت‌ها کامل‌تر، نعمت تربیت‌های معنوی است که

مخصوص بنی الانسان می باشد؛ از قبیل: فرستادن کتب آسمانی و انبیای مرسلین علیهم السلام.<sup>۱</sup>

این نوع تربیت دارای مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی است که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

#### ۱. اثرگذاری معنوی تربیت

تربیتی که بر پایه تعالیم درست دینی صورت گیرد و سمت و سوی الهی و متعالی داشته باشد، به یقین تأثیرگذار و نقش آفرین خواهد بود؛ زیرا چنین تربیتی، با لطف و توجه خاص غیبی همراه بوده و دست عنایت خدا شامل آن می‌شود. به همین جهت تربیت معنوی، تربیت خدایی است؛ یعنی، نیت تربیت کنندگان خدایی و هدف و جهت آن در جهت تقرب به خدا و تحقق اراده او است.

امام خمینی رحمته الله علیه در این رابطه می‌فرماید:

«تمام قلوب و تمام ابصار و بصیرت‌ها در دست خدای تبارک و تعالی و ید قدرت اوست. اوست که تدبیر می‌کند جهان را، لیل والنهار را و اوست که قلوب را متحول می‌کند و بصیرت‌ها را روشن می‌کند و اوست که حالات انسان را متحول می‌کند و ما آن را در ملت عزیز خودمان، در زن و مرد، در کوچک و بزرگ یافتیم. این تقلیب قلوب، که قلب‌ها از آمال دنیوی و از چیزهایی که در طبیعت است، بریده بشود و به حق تعالی پیوسته بشود و بصیرت‌ها روشن بشود و صلاح و فساد خودشان را به وسیله بصیرت بفهمند. در ملت ما بحمدالله تا حدود چشمگیری حاصل شده است و من امیدوارم که در این سال جدید، به اعلا مرتبت

۱. شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۴۰.

خودش برسد. این قلب‌هایی که قبل از انقلاب توجه به دنیا داشت، توجه به آمال دنیوی داشت و ... کمتر توجه داشت به غیب، و از غیب کمتر جلوه‌ای در او حاصل می‌شد، ما امروز می‌بینیم که این جلوه‌ها حاصل شده است و این شوق و شغف‌ها به لقاءالله برای آنها حاصل شده است و دست عنایت خدای تبارک و تعالی به سر این ملت کشیده شده است و ایمان آنها را تقویت فرموده است که یکی از علایم ظهور بقیة الله علیه السلام است. بی‌انگیزه نیست که در یک ملتی که در طول مدت شاهنشاهی ستمشاهی و در این پنجاه سالی که پنجاه سال سیاه بود برای این ملت، متحول بشود به یک قلبی که روشنی او از آفتاب روشن‌تر و یک بصیرتی که نور او برای ملک و ملکوت روشنایی می‌دهد و یک تحوّل معجزه‌آسایی که در تمام قشرهای ملت تحقق پیدا کرده است».<sup>۱</sup>

## ۲. خداگرایی تربیت

تربیت معنوی، تربیتی خداگرا و خدامحور و اصلاح‌کننده رابطه انسان با آفریدگار است. ویژگی بارز چنین رویکردی، تقویت بنیان‌های اعتقادی و عرفانی (شناخت و معرفت خدا) و روحیه عبودیت و بندگی است. امام خمینی رحمته الله علیه می‌فرماید:

اسلام می‌خواهد که الله را در همه عالم نمایش بدهد، تربیت الوهیت بکند، در همه عالم، تربیت انسانی بکند. انسان را برساند به آنجایی که: در وهم تو نباید آن شود».<sup>۲</sup>

---

۱. صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۸۷

۲. همان، ج ۶، ص ۱۵۵

«تربیت واقعی» برای این است که انسان روابط خود را با خدا، جهان و زندگی دنیا و آخرت شکل دهد و طبق همان صورتی که فلسفه کلی جامع اسلامی از خالق، انسان، جهان و زندگی دنیا و آخرت تعیین کرده است، گام بردارد.

ارتباطاتی که تربیت اسلامی تعیین کرده، عبارت است از:

۱. ارتباط بین خالق و انسان (رابطه بندگی)؛

۲. ارتباط بین انسان و جهان (رابطه تسخیر)؛

۳. ارتباط بین انسان و دیگر انسان‌ها (رابطه عدل و احسان)؛

۴. ارتباط بین انسان و زندگی (رابطه امتحان و آزمون)؛

۵. ارتباط بین انسان و آخرت (رابطه مسؤولیت و جزا).

براین اساس وقتی در پرتو تربیت معنوی، رابطه انسان نسبت به معبود خود، در مسیر درست قرار گرفت و زندگی او رنگ و بوی الهی یافت، تربیت واقعی صورت گرفته و انسان گام‌های بلندی را برداشته است.

### ۳. انسان‌سازی تربیت

زمانی که رابطه انسان با خود اصلاح گردید و خودشناسی واقعی صورت گرفت، در جایگاه و منزلت خود قرار می‌گیرد و مسیر درست و الهی را انتخاب می‌کند. این روند، در سایه تربیت معنوی - که تربیت پیامبرانه است - صورت می‌گیرد و راهی روش برای اصلاح کاستی‌ها و معایب جوامع است. امام خمینی رحمته الله علیه در این باره می‌گوید:

«پیامبران، تمام پیامبران در طول تاریخ این‌طور نبوده است که فقط یک ناصحان باشند؛ بلکه آنها برای تهذیب اخلاق مردم به گفتار، به کردار، به عمل، به فعالیت مأمور بودند و خدای تبارک و

تعالی آنها را برای اینکه انسان‌ها را بسازند، برای اینکه خُلق انسانی در آنها رشد پیدا بکند و اعمال و افعال انسانی داشته باشند، مبعوث فرموده است و همه در هر حالی که بوده‌اند، کوشش خود را کرده‌اند.»<sup>۱</sup>

و «تمام زحمتی که انبیا کشیده‌اند و تمام رنج‌هایی که اولیای خدا از بدو خلقت تاکنون کشیده‌اند و بعدها هم تا آخر خواهند کشید، مقدمهٔ این بوده است که این موجودی که در خارج می‌گویند انسان، «انسان» بشود. تمام کتب آسمانی که بر انبیا نازل شده است، برای این بوده است که این موجودی که اگر سر خود باشد، خطرناک‌ترین موجودات عالم است، تحت تربیت و تعلیم الهی واقع بشود و بهترین موجودات و افضل تمام خلایق بشود.... در اسلام همهٔ امور مقدمهٔ انسان‌سازی است. اگرها کنند این موجود دو پا را، تمام عالم را به تباهی می‌کشد. برای جلوگیری از این فسادهای بزرگ و این جنگ‌های ویران کن و این کارهای بسیار ناروا، که در کشورها هست انبیا آمده‌اند تا بشر را هدایت کنند به راهی که همه در آن راه سیر کنند و همه، انسان صحیح و کامل بشوند. اگر این موجود دو پا تربیت شد، تمام حوایج دنیا و آخرت بشر تحقق پیدا می‌کند و اگر این موجود دو پا سر خود شد یا به خلاف مسیر طبیعی خودش حرکت کرد، تمام عالم به تباهی کشیده می‌شود.»<sup>۲</sup>

#### ۴. تقویت بعد روحانی و عرفانی انسان

اصلاح رابطهٔ انسان، دارای مراحل و مراتب مختلفی است که یکی از مراتب

---

۱. همان، ج ۲۷، ص ۷۷.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۵۲.

عالی آن، لاهوتی و ربّانی شدن او است؛ یعنی در پرتو تربیت معنوی، بعد روحانی و عرفانی انسان، پرورش یابد و در نتیجه به معرفت عالی تری برسد. امام خمینی علیه السلام در این رابطه نیز می فرماید:

«تمام دعوت‌های حَقُّه الهیه و شرایع کامله ربّانیه- چه در کشف حقایق توحید و سرایر تفرید و تجرید، و چه در بسط فضایل و محاسن اخلاقیه، و چه در تشریح احکام الهیه- بیرون از دو مقصد که یکی مقصود بالذات و بالاستقلال است و دیگری مقصود بالعرض و بالتبعیه است، نیست.

آنچه مقصد ذاتی و غایت بعثت و دعوت انبیا علیهم السلام و مجاهدت و مکاشفت کَمَل و اولیا علیهم السلام است، آن است که انسان طبیعی لحمی حیوانی بشری، انسان لاهوتی الهی ربّانی روحانی شود، و افق کثرت به افق وحدت متصل شود، و آخر و اوّل پیوند به هم شود، و این کمال حقیقت معرفت است که در حدیث شریف قدسی اشاره به آن فرماید: «كُنْتُ كَنْزاً مَخْفِياً فَاحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ، فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أُعْرَفَ» در حدیث شریف فرماید: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ».<sup>۲</sup>

و تمام اعمال قلبیه و قالیه و افعال روحیه و جسدیه برای حصول این مقصد مقدّس است، و به غایت بسط معارف الهیه است».<sup>۳</sup>

---

۱. من گنجی پنهان بودم، پس دوست داشتم تا شناخته شوم. پس آفریدم خَلْق را تا شناخته شوم (موسوعة اطراف الحدیث النبوی، ج ۶، ص ۵۰۷).  
۲. شناخت دین، اول درجه دین است.  
۳. شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۲۹۷.

## ۵. تقویت بعد فرجام گرایانه زندگی

تا زمانی که انسان، مقصد عالی و نهایی خود را در نظر نگیرد و به آخرت و بهشت دوزخ نیندیشد و فرجام و عاقبت اعمال و گفتارهای خود را فراموش کند، قابلیت هدایت‌گری و تربیت واقعی را نخواهد داشت. اما در تربیت معنوی، به این نیاز انسان پاسخ درستی داده می‌شود و رفتارها و پندارهای او در جهت کسب توشه برای سفر بزرگ‌تر نهادینه می‌گردد. امام خمینی رحمته الله علیه به این نکته مهم اشاره کرده، می‌فرماید:

«لطفی است از جانب خدای تبارک و تعالی به بشر که قابل از برای این است که تربیت بشود و تربیت بشر به وحی خدا و به تربیت انبیا این است که چیزهایی که رابطه بوده است مابین آن عالم و این عالم، چیزهایی که اگر آن کارها را ما انجام بدهیم در تربیت معنوی ما دخالت دارد، آنها را به ما بیان کردند که این کارها را بکنیم.»<sup>۱</sup>

## ده. شکوفا کننده و کمال گرا بودن تربیت

یکی از تفاوت‌های بارز تعلیم و تربیت دینی با دیگر نظام‌های تربیتی، در توجّه ویژه آن به توانایی‌ها و استعداد‌های درونی و فطری انسان است که در گوهر وجود او قرار دارد و منشأ و سرچشمه کمالات و نیکی‌ها و فضایل است. در واقع تکیه اصلی آن بر فطرت پاک و خدایی او و لزوم محافظت از آن و حرکت تکاملی بر طبق این گوهر بی‌آلایش است. براین اساس پایه و شالوده شکوفایی و رشد انسان بر فطرت گرایی و پرورش ظرفیت درونی او و نکته اوج و بالندگی آن، کمال گرایی و رساندن انسان به بی‌نهایت است. چنان که امام خمینی علیه السلام می‌گوید:

«کار مهم انبیا این است که مردم را برسانند به آن نقطه کمال و سایر کارها وسیله است؛ غایت، کمال مطلق است. انبیا می‌خواهند که همه مردم بشوند مثل امیرالمؤمنین علیه السلام، لکن نمی‌شود، توفیق پیدا نمی‌کنند. این طور نیست که انبیا برای دنیا آمده باشند، دنیا یک وسیله‌ای است برای کمال، چنان که اهل دنیا هم این وسیله را به ضد کمال، استعمال می‌کنند.»<sup>۱</sup>

براساس روایات این رویکرد به طور کامل در نظام تربیتی مهدوی و در

---

۱. همان، ج ۱۲، ص ۱۷۲.



جامعۀ موعود الهی اتخاذ خواهد شد و بشر به ملکوت درون خود توجّه کرده و پله‌های تعالی و تکامل را برپایه فطرت پاک الهی طی خواهد کرد؛ همان گونه که در روایات آمده است: «... حَتَّى يَكُونَ النَّاسُ عَلَى مِثْلِ أَمْرِهِمُ الْأَوَّلِ...»؛<sup>۱</sup> «مردم به فطرت خویش باز می‌گردند و همچون روز اوّل می‌شوند.» البته این فقط در پرتو هدایت‌گری و انسان‌سازی امام زمان به دست می‌آید و ما به عنوان پیروان و یاران ایشان، باید همیشه راه و روش آن حضرت را پی‌گیری کنیم. امام خمینی علیه السلام می‌گوید:

«اگر تربیت و تعلیم آن طوری که انبیا و تحت تربیت انبیاست تحقق پیدا بکند، انسان، هم اینجایش (غرایز) صحیح می‌شود؛ روی یک نظمی تحقق پیدا می‌کند و این آکل و مأکول و این تعذیبات و این تجاوزها و این اختلاف‌های طبقاتی پیدا نمی‌شود و هم آن طرف، که عمده آن طرف است، آن حیات جاویدی که آخر ندارد، هم آن طرف تأمین می‌شود. کوشش کنید مکتب ولی امر را به آن توجه کنید که برای تعلیم و تربیت این انسان است که از حد حیوانیت برساندش به حد انسانیت و رشد انسانی پیدا کند و تربیت‌های انسانی پیدا کند و تعلیمات، تعلیمات صحیح باشد.»<sup>۲</sup>

«انسان از اول این طور نیست که فاسد به دنیا آمده باشد؛ از اوّل با فطرت خوب به دنیا آمده، با فطرت الهی به دنیا آمده [است]. «كُلُّ مَوْلُودٍ يُؤَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ» که همان فطرت انسانیت، فطرت صراط مستقیم، فطرت اسلام، فطرت توحید است. این تربیت‌ها است که یا همین فطرت را شکوفا می‌کنند و یا جلوی

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۶۷۲.

۲. صحیفه نور، ج ۸، ص ۶۴.

شکوفایی فطرت را می‌گیرند. این تربیت‌ها است که یک کشورها ممکن است به کمال مطلوبی که از هر جامعه انسانی است؛ برسانند و یک کشور، کشور انسانی باشد، کشور مطلوب اسلام باشد و همین تربیت‌ها یا تعلیم‌های بدون تربیت ممکن است که اینها را در آن وقتی که مقدرات یک کشور در آنها است... کشور را به تباهی بکشند».<sup>۱</sup>

ایشان در توضیح عبارات پیشین می‌گوید:

«این انسان مثل سایر حیوانات نیست که همان حیات طبیعی و دنیایی باشد؛ بلکه انسان یک طور خلق شده است که علاوه بر حیات طبیعی، حیات مابعدالطبیعه هم دارد و آن حیات مابعدالطبیعه، حیات صحیح انسان است، اینجا همان حیات حیوانی است. از این جهت مردم محتاج شده‌اند به اینکه در پیدا کردن راه صحیح از طریق وحی، به اینها گزارش داده بشود و خدای تبارک و تعالی هم منت بر مردم گذاشت و انبیا را مبعوث فرمود تا اینکه راه را به اینها نشان بدهند. تمام تعلیمات انبیا برای مقصد، نشان دادن راهی است که انسان ناچار از این راه باید عبور کند. ناچار انسان از این عالم طبیعت به یک عالم دیگری عبور می‌کند، اگر سر خود باشد، یک حیوانی است که از این عالم به عالم دیگر می‌رود و اگر چنانچه به راه انبیا برود، انسانیتش کامل می‌شود و هرچه بیشتر اطاعت کند، بیشتر انسانیتش رشد می‌کند. تمام کوشش انبیا برای این بوده است که انسان را بسازند، تعدیل کنند، انسان طبیعی را مبدل کنند به یک انسان الهی؛ در همین عالم که هست، باز این طور باشد. نظر انبیا به این عالم با نظر اشخاص دیگر فرق دارد، آنها می‌خواهند

این عالم را الهی کنند؛ یعنی، به هرچه نگاه می‌کنند آثار الهیت در آن ملاحظه کنند».<sup>۱</sup>

به هر اندازه که آدمی از دایره فطرت و انسانیت خارج می‌شود و در فضای غبار آلود غریزه‌گرایی و مادیت صرف قرار می‌گیرد، به همان اندازه دچار اعوجاج، کژروی، هنجارشکنی و شهوت‌گرایی می‌شود و نیازش به تربیت و اصلاح، افزون می‌گردد. نظام تربیتی ما، باید این سه مؤلفه (حیوانیت ← فطرت ← انسانیت) را مورد توجه قرار دهد و برای حرکت از حیوانیت به انسانیت، برپایه «فطرت» تأکید ویژه‌ای داشته باشد. در این رویکرد، توجه به چند نکته بایسته است:

یکم. شکوفایی ظرفیت‌ها و استعدادهای فطری انسان، صرفاً با آموزش و تعلیم چند درس رسمی امکان‌پذیر نیست؛ بلکه باید برنامه عملی و کاربردی داشت. باید به شیوه‌های مختلف، زیبایی و پاکی «فطرت» آدمی را، یادآوری کرد و با بازسازی شخصیت او و ترسیم روشن از کمال و بالندگی وی، راه را به او نشان داد. اصطلاحاً می‌توان این شیوه را «سناریونویسی» یا «مدل‌سازی» نامید و براساس آن الگویی از خود شخص ارائه داده که دارای این کمالات و فضایل است. در واقع با توجه به فطرت پاک و بی‌آلایش هر انسان، می‌توان شخصیت واقعی او را نشان داد و حتی به ترسیم «آینده رفتاری» او پرداخت. این رویکرد تربیتی، شخص را در مسیر شکوفایی و حرکت به جلو قرار می‌دهد و او را ترغیب می‌کند که کمال و برتری خود را، در پرتو «فطرت‌گرایی» به دست آورد.

دوم. اندیشه مهدویت و شکل‌گیری جامعه برتر، نمایانگر این نکته است که انسان‌ها می‌توانند یک زندگی سالم و الهی داشته باشند؛ یعنی، کژروی و ناراستی آنان، ناشی از بی‌توجهی به شخصیت و هویت واقعی خویش و دوری از فطرت و گوهر الهی خود است و چون در «عصر ظهور» با تعلیم و تربیت صحیح، به فطرت واقعی خود برمی‌گردند، این امکان برای آنان در هر زمانی وجود دارد و با برنامه‌ریزی هماهنگ و جمعی، می‌توان به این آرمان دست یافت. با کار فرهنگی و آموزشی باید جامعه منتظر را در این مسیر قرار داد و بر شایستگی و توانایی آن در رسیدن به وضعیت مطلوب پای فشرد.

## یازده. مشفقانه و مردم‌گرا بودن تربیت

اساس و قوام زندگی اجتماعی، مبتنی بر نوع دوستی، محبت به یکدیگر، عشق، علاقه و احترام است و رحم و شفقت و دلسوزی نسبت به دیگران، در فطرت پاک انسان‌ها، به ودیعه نهاده شده است. در اسلام تأکید زیادی بر محبت و دوستی شده و به عنوان رکن مهم و اصلی ایمان مطرح گردیده است. چنان که از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «آیا ایمان، جز دوستی و دشمنی در راه خدا است؟»<sup>۱</sup>

در واقع صلاح و سامان اجتماع، در سایه الفت، انس و محبت بین افراد آن حاصل می‌شود و جامعه وقتی سعادتمند است که هرچه بیشتر بین افراد آن مودت و الفت برقرار باشد. سامان‌یابی و رشد جامعه مبتنی بر این امر است و ارسال رسولان و انزال کتاب‌های آسمانی هم برای این هدف بوده است....

کارسازترین شیوه در تربیت و راهنمایی دیگران، محبت و شفقت است. بزرگ‌ترین معجزه یک مربی و ارشادگر، در مهربانی و نیک دلی او نهفته است. پایه و اساس تربیت دینی و پرورش اخلاقی انسان‌ها، دوستی با

---

۱. «هل الايمان الا الحبُّ والبُغض».

مردم و ابراز عشق و علاقه به آنان است. به یقین می‌توان گفت: تعلیم و تربیتی که از روی مهرورزی و دلسوزی باشد، بهترین و ماندنی‌ترین آثار را بر جای خواهد گذاشت.

فطرت مسلم، سراپا شفقت است در جهان دست و زبانش رحمت است  
براین اساس امام سجّاد علیه السلام می‌فرماید: «حقّ کسی که از تو نصیحت می‌خواهد، این است که او را تا حدّ توانایی ات، نصیحت کنی و با او مدارا کرده و مهربان باشی».<sup>۱</sup>

در این رویکرد «تربیت» فراتر از یک وظیفه و حتّی دلسوزی است و نشأت گرفته از روح مهرورز و انسان دوست مرّبی و مبلّغ دین است. عشق به خوبی‌ها و عشق به سعادت و نیک فرجامی انسان‌ها، او را به اصلاح و تربیت آنان وامی‌دارد و از روی شفقت و محبّت، راهنمایی و پرورش روحی آنها را برعهده می‌گیرد.  
خواجه نصیرالدین طوسی می‌گوید:

«محبّت اخیار، چون از انتظار منفعت و لذّت حادث نشده باشد؛  
بلکه موجب آن، مناسبت جوهر بود و مقصد ایشان، خیر محض  
و التماس فضیلت باشد؛ از شائبه مخالفت و منازعت منزّه ماند و  
نصیحت یکدیگر و عدالت... به تبعیت حاصل آید».<sup>۲</sup>

نور خورشید و مه از عشق است عشق شور درویش و شه از عشق است عشق  
جوشش عشق است کاندر می‌فتاد آتش عشق است کاندر نی‌فتاد

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۷۶.

۲. اخلاق ناصری، ص ۲۶۷.

با توجه به این انگاره روشن، می‌گوییم: «تربیت مهدوی»، تربیت مهرورزانه و مشفقانه است و از روی محبت و دوستی انسان‌ها صورت می‌گیرد و صلاح واقعی و رستگاری دائمی آنها را طالب است. نه پای سود و منفعت شخصی در میان است و نه کینه و عداوت؛ هرچه هست عدالت است و معنویت. به همین جهت مردم با مشاهده لطف و مهر امام زمان، عاشق او می‌شوند و به او پناه می‌برند و در دامن پرعطوفت و رحمت او، آرامش می‌گیرند.

جالب اینکه در بعضی از کتب اخلاقی آمده است: از علل و اسباب برقراری نظام آفرینش و استواری امور مردم، یکی محبت است و دیگری عدالت. خداوند می‌فرماید: «به تحقیق آنان که ایمان آوردند و عمل شایسته انجام دادند؛ خداوند بخشنده، برای آنان محبتی [در نزد دیگران] قرار می‌دهد»؛<sup>۱</sup> یعنی، خداوند چنین افرادی را محبوب قلوب دیگران قرار می‌دهد... و این بیانگر این نکته است که با دوستی و محبت، بهتر می‌توان باورهای اخلاقی و افکار دینی را بین مردم رواج داد. حتی بیشتر از خشونت و تندخویی؛ زیرا خشونت موجب تنفر است، ولی محبت، الفت آور می‌باشد.<sup>۲</sup> در هر حال تعلیم و تربیت در جامعه مهدوی، در صورتی مؤثر و کارساز خواهد بود که، محبت و شفقت سرلوحه برنامه‌های آن قرار گیرد و رابطه‌ای مهرورزانه و عاطفی بین مربی و تربیت‌شونده برقرار شود. امام خمینی رحمته الله علیه می‌گوید:

---

۱. تحریم، آیه ۱۶.

۲. *الودیعہ الی مکارم الشریعہ* (کرانه سعادت)، ج ۱، ص ۲۱۶.

«اسلام انسان را مُحِبِّ آدم، بار می آورد. به آدم عطوفت می دهد. آنجایی هم که اسلام جنگ کرده و اشخاص فاسد را از بین برده، برای عطوفت به جامعه بوده است؛ آنها مفسد بودند».<sup>۱</sup>

و «با هیچ چیز مثل بسط رحمت و رأفت و طرح دوستی و موَدّت نمی توان دل مردم را به دست آورد، و آنها را از سرکشی و طغیان بازداشت. و لهذا، انبیای عظام مظاهر رحمت حق -جلّ و علا- هستند؛ چنانچه خدای تعالی معرفی رسول اکرم ﷺ را فرموده در آخر سوره توبه - که خود سوره غضب است - به این نحو:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾<sup>۲</sup>

و در شدت شفقت و رأفت آن بزرگوار، بر همه عائله بشری بس است، آیه شریفه اول سوره شعرا که می فرماید: ﴿لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾<sup>۳</sup>

و در اوایل سوره کهف که می فرماید: ﴿فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَّمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا﴾<sup>۴</sup>

---

۱. صحیفه نور، ج ۷، ص ۶۹.

۲. هر آینه پیامبری از خود شما بر شما مبعوث شده است، هر آنچه شما را رنج می دهد بر او گران می آید. سخت به شما دل بسته و با مؤمنان رئوف و مهربان است (توبه، ۱۲۸).

۳. شاید از اینکه ایمان نمی آورند خود را هلاک سازی و قالب تهی کنی. (شعرا، ۳).

۴. شاید اگر به این سخن ایمان نیاورند، خویشتن را به خاطر ایشان از اندوه هلاک سازی و قالب تهی کنی (کهف، آیه ۶).



## دوازده. پویایی و منعطف بودن تربیت

یکی از وجوه برجستهٔ تعلیم و تربیت مهدوی، تناسب آن با شرایط زمانی و نیازهای واقعی انسان‌هاست. در واقع در این رویکرد، سازوکارهای متنوع و متناسبی برای اصلاح رفتارها و پندارها به کار گرفته شده و برای تغییر خوی و خصلت‌های متفاوت افراد، از شیوه‌های سیال، منعطف و پویایی استفاده می‌شود. هدف از این نوع تربیت، تنها رفع تکلیف و عمل به وظایف ظاهری یا از بین بردن پاره‌ای از مشکلات اخلاقی و هنجاری دردساز نیست؛ بلکه اهداف متعالی‌تر و مهم‌تری مورد نظر است و به همین جهت تمامی تلاش‌ها و برنامه‌ها، معطوف به تغییر کلی نگرش‌ها و باورهای افراد و بهبود وضعیت فکری، اعتقادی، اخلاقی و دینی آنان است.

براین اساس باید برخوردی سنجیده و حساب شده با مشکلات و ناراستی‌ها داشت و برای اصلاح و پرورش افراد، برنامه‌های جداگانه و متناسبی ارائه داد. وقتی گفته می‌شود: در آموزه مهدویت، انسان‌ها به رشد فکری و اخلاقی در پرتو تربیت الهی دست می‌یابند؛ بدین معناست که تعلیم و تربیت، پا به پای تغییرات اجتماعی و تنوع و فزونی نیازهای افراد و پیشرفت همهٔ جنبهٔ جوامع، متحوّل می‌شود و با به کارگیری

روش‌های پویا و منعطف و به روز، می‌توان همهٔ انسان‌ها را به مرتبهٔ کمال خود نزدیک‌تر ساخت. این نگاه کامل و سترگ به انسان، فقط ناظر به بحران‌ها و کاستی‌های به وجود آمده نیست؛ بلکه با آینده‌نگری و توجه به واقعیت‌های زمانه، روش‌های کارآمد و پیشتازی را در عرصهٔ تعلیم و تربیت ارائه می‌دهد و تا تحقق همهٔ اهداف و برنامه‌ها، به پیش می‌رود. با توجه به ساز و کارهای متنوع و مختلفی که در این کتاب بدان‌ها اشاره شده است، ارجمندی و اثرگذاری تربیت پویا و متناسب با عصر آشکار می‌شود و نیازی به توضیح بیشتر نیست. اما باید بدانیم که روش‌ها و شیوه‌های مبتنی بر دین، علاوه بر ماندگاری و فراگیری، برای هر نوع رفتار و نگرشی، برنامهٔ خاص و مؤثری دارد و تنها کسانی می‌توانند از آنها بهره‌گیرند که هم اعتقاد به استواری و حقیقت آنها داشته باشند و هم از درک و علم درستی، در به کارگیری آنها برخوردار شوند.

## سیزده. جامع و بنیادی بودن تربیت

یکی از پرسش‌های اساسی و مهم در فلسفه تربیت، «چرایی تعلیم و تربیت» است؟ پاسخ دقیق و روشن به این پرسش، افق‌های نوینی، فراروی مصلحان و مربیان جامعهٔ بشری قرار می‌دهد. ممکن است تعلیم و تربیت، با اهداف و رویکردهای مختلفی صورت گیرد (اجتماعی ساختن انسان، تقلیل بزهکاری‌ها، آگاهی دادن به او، نظم پذیر کردن وی، قرار دادن انسان در خدمت سیاست و اجتماع، تحقق جامعهٔ مطلوب در پرتو فرد مطلوب، حق قانونی شخص و...); اما از دیدگاه آیینی، تربیت انسان با هدف رشد فکری و اخلاقی او جهت قرار گرفتن در جایگاه واقعی و پرورش ظرفیت‌ها و استعداد‌های نهفته او برای دستیابی به رستگاری و سعادت واقعی وی است. در واقع تعلیم و تربیت، یک برنامهٔ فرهنگی و اصلاحی است که مبتنی بر کارکرد «نجات گرایانه» دین و برپایهٔ رحمت، محبت و شفقت است. این زیربنای عاطفی- انسانی، موجب نگاه واقع بینانه و غیر سودانگارانه به تربیت و نیازهای اخلاقی- معنوی انسان می‌شود و به صورت اساسی و ریشه‌ای، اصلاح و تغییر رفتارها و گفتارهای او را پی‌گیری می‌کند. همان گونه که گذشت تعلیم و تربیت انسان، دارای چند محور است و در هر بعد، باید برنامه‌ای واقعی و اساسی با رویکردهای زیر اتخاذ

کرد:

### ۱. رویکرد هدایت گرایانه

این رویکرد اساس تعلیمات و تبلیغات پیامبران است و درصدد رهنمونی انسان‌ها به مسیر حقیقت و راستی و شناساندن راه سعادت و نیک فرجامی است.

### ۲. رویکرد تعالی بخشی

پس از اینکه افراد در مسیر درست و انسانی قرار گرفتند، نوبت به رهنمونی آنان به کمال و تعالی است؛ یعنی، قرار دادن آن‌ها در مسیر رشد و بالندگی نهایی و اوج شکوفایی درونی.

### ۳. رویکرد تحول گرایانه

برای پرورش و رشد روحی و معنوی انسان‌ها، باید تغییرات بنیادین و اصلاحات عمیق در پندارها و رفتارهای آنان صورت گیرد و آنان واقعاً متحول و دگرگون شوند.

### ۴. رویکرد بهسازی

در این رویکرد، عادت‌ها و رویه‌های نامطلوب، ناهنجار، ناقص و مخرب، بهسازی شده و به تدریج با رویه‌ها و مکارم اخلاقی جایگزین می‌گردد. بهسازی اخلاق؛ همان تزکیه و تهذیب نفس است که به شکل کامل‌تر، در علم اخلاق پیگیری می‌شود.

## ۵. رویکرد مشکل زدایانه

هدف این نگرش به انسان، رفع عیوب نفسانی و زدودن مشکلات اخلاقی و ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی است که همه چیز را دستخوش تباهی و انحطاط می‌کند و گرفتار کج‌روی و عصیان‌گری می‌سازد. رفع هر کدام از عیوب و بیماری‌های روحی و اخلاقی انسان، نیاز به شناخت دقیق آنها، علت آنها و راه اصلاح آنها دارد.

## ۶. رویکرد درمان گرایانه

در این فرآیند تربیتی، کاستی‌ها و ناراستی‌های اخلاقی، پس از موشکافی، ریشه‌یابی و سنخ‌شناسی می‌شود و برای هر ناهنجاری و عیبی، برنامه خاص تربیتی (درمانی) ارائه می‌گردد. در اینجا هدف فقط رفع مشکل نیست؛ بلکه جایگزینی آن، با خصلت‌های نیکوست.

## ۷. رویکرد بشارت‌گرایانه

در این دیدگاه، ترغیب و دعوت مشفقانه و دلسوزانه به «فضیلت‌گرایی» و بشارت به فرجام نیک و آثار گران قدر «اخلاق‌مداری»، مورد تأکید قرار گیرد و بیشتر حالت اقناعی، تشویقی و مهرورزانه دارد و ...

رویکردهای یاد شده، بیانگر این نکته مهم است که برای کارآمدی و تأثیرگذاری برنامه‌های تربیتی، باید به ریشه ناهنجاری‌ها و مشکلات اخلاقی پی برد و متناسب با آنها، رویکرد مناسبی اتخاذ کرد. به همین جهت است که تعلیم و تربیت مهدوی شامل همه گروه‌ها و طبقات اجتماعی بشری می‌شود و برای همه کاستی‌های اخلاقی و نادرستی‌های جامعه، برنامه بایسته و شایسته‌ای دارد. مربیان و استادان اخلاق، باید به

این انگاره توجّه ویژه‌ای داشته باشند و روش‌ها و مکانیسم‌های تربیتی را، براساس رفتارها و پندارهای متفاوت و پیچیده افراد، به کار گیرند. پیامبران، ریشه ناراستی را در ضعف اعتقادی و انحطاط روحی بشر می‌دانستند و به همین جهت به تصحیح باورهای شرک آمیز و کفرآلود مردم می‌پرداختند؛ آن‌گاه براساس عادات اخلاقی و رفتارهای ناسالم آنان، شروع به تزکیه و تهذیب نفوس می‌کردند. امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

«هیچ مرضی از امراض نفسانیه نیست، الا آنکه آن راتا در این عالم است انسان می‌تواند اصلاح کند. گرچه در نفس ریشه کرده باشد و ملکه شده باشد و مستحکم گردیده باشد».<sup>۱</sup>

و «باید دانست که انسان مادامی که در این دنیا است، به واسطه آنکه در تحت تغییرات و تصرفات واقع است، تبدیل هر ملکه [ای] به ملکه [ای] می‌تواند بکند. و اینکه می‌گویند: «فلان خلق، فطری و جبلی است و قابل تغییر نیست»، کلامی است بی‌اساس و پایه علمی ندارد».<sup>۲</sup>

در عصر ظهور، این رویه پیامبرگونه از سوی امام پیگیری و عمل شده و به صورت ریشه‌ای و بنیادین، به اصلاح بشر همّت گماشته خواهد شد. متأسفانه همه برنامه‌های تربیتی و آموزشی ما یک سوپیه و ظاهری است و در آن بدون توجّه به کنه کاستی‌ها و ناهنجاری‌ها، شیوه‌ای تقریباً واحد و همسان برای همه، به کار گرفته می‌شود. نتیجه این رویکرد خشک و غیرواقعی، گسترش انواع کژتابی‌های فکری و عملی در اجتماعی است که

---

۱. شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۵۸.

۲. همان، ص ۳۷۹.

منادی «انتظار» و «زمینه‌سازی» برای تشکیل جامعه مطلوب و آرمانی است. در «اندیشه مهدویت»، همه انسان‌ها شایستگی برخورداری از «حیات طیبه» و «اخلاق الهی» را دارا هستند و این نیازمند نگاه جامع، ریشه‌ای و واقعی به نقص‌ها و عیب‌ها است. نسل منتظر نیز شایستگی رشد و بالندگی اخلاقی و معنوی را دارند؛ به شرط اینکه برای آنان برنامه‌های مناسب تزکیه و تعلیم ارائه شده و عادت‌های ناسالم و رویه‌های زشت از دل و جان آنها زدوده شود.

اگر منتظری، نیاز به راهنمایی مشفقانه و مهرورزانه دارد. تا از محیط درونی و بیرونی خود خارج شده و گام در حریم نور و معنویت بگذارد. باید او را تشویق و ترغیب کرد و بشارت‌های دینی را برای او بازگفت؛ اما اگر واقعاً از یک ناراحتی اخلاقی رنج می‌برد (مثل حسد و دروغ‌گویی و...)؛ باید کمک کرد تا ریشه چنین رذیله‌ای در وجود او خشکانده شود و روحیه مردم دوستی و صداقت و احترام به بشر- که ویژگی بارز دولت مهدوی است- در او به وجود آید. اگر کژتابی رفتاری او، ناشی از حبّ و بغض‌های شخصی است، باید این حبّ و بغض‌ها را الهی نمود و همه آفریدگان صالح و شایسته را، محبوب او ساخت و از حقد و کینه نسبت به آنان برحذر داشت.

شخص منتظری که چشم به تغییرات و تحولات گسترده عصر ظهور و کامیابی و شادکامی همه بشر دارد، نباید و نمی‌تواند نسبت به هموعان خود در عصر غیبت، بی‌تفاوت باشد یا دشمنی و کینه‌توزی نسبت به آنان ابراز دارد و....

به هر حال راه تربیت واقعی «نسل منتظر» و شکل دهی به «جامعه

منتظر» شکل‌گیری امت واحد اسلامی و به وجود آمدن احساس و باور به یک سرنوشت مشترک و جمعی است.

اگر تنها بخشی از جامعه منتظر در چهارچوب‌های اخلاقی و دینی قرار نگیرند و رفتارها و رویه‌های غیرهمسان و یا تباه‌آلود اتخاذ کنند، حرکت جمعی منتظران با مشکل روبه‌رو شده و ناراستی‌ها و رذایل اخلاقی گسترش خواهد یافت. در واقع جامعه منتظر، مانند یک کشتی بزرگی است که یاران و باورمندان به منجی موعود را، به سمت یک هدف و مقصد روشن انتقال می‌دهد و اگر کوچک‌ترین کاستی و ناراستی در میان سرنشینان کشتی به وجود آید، رسیدن به آن سرمنزل و مقصد دشوار و سخت خواهد بود.



## منابع

۱. آل سید حیدر، سید مصطفی، *بشارة المصطفى*، قم: مؤسسه آل البيت، بی نا.
۲. ابن ابی الحدید، ابو حامد بن هبة الله، *شرح نهج البلاغه*، ۲۰ جلد، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *المناقب*، ج ۴، قم: انتشارات علامه، ۱۳۷۹.
۴. ابو معاش، سعید، *الامام المهدي في القرآن والسنة*، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش های قدس رضوی، ۱۳۸۰.
۵. احمد الشامی، صالح، *تربیت و حکومت در سیره رسول الله*، ترجمه محمد ملازاده، تهران، احسان، ۱۳۸۵.
۶. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمّة فی معرفة الائمة*، ج ۲، چاپ اول، تبریز: مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱.
۷. امینیان، مختار، *مبانی اخلاقی اسلامی*، سوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
۸. انصاری، عبدالله، *منازل السائرین*، ترجمه و شرح علی شیروانی، اول، تهران، الزهراء، ۱۳۷۳.
۹. ایمانی، محسن، *تربیت عقلانی*، اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.
۱۰. بحرانی، *المحجّه فی منازل فی القائم الحجّة (سیمای حضرت مهدی در قرآن)*، ترجمه مهدی حائری قزوینی، چاپ سوم، تهران: آفاق، ۱۳۷۶.

۱۱. بحرانی، حسین، *سلوک عرفانی در سیره اهل بیت علیهم السلام*، ترجمه علی شیروانی، اول، قم، وثوق، ۱۳۷۹.
۱۲. برقی، احمد بن محمد، *المحاسن*، ج ۱، چاپ دوم، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۱۳. البستوی، عبدالعلیم، *المهدی المنتظر*، مکه: مکتبه المکیه، ۱۴۲۰.
۱۴. بهشتی، محمد و...، *اهداف تربیت از دیدگاه اسلام*، هفتم، تهران، سمت، ۱۳۸۵.
۱۵. پیاژه، ژان، *تربیت به کجا ره می سپرد*، ترجمه منصور و دیگران، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
۱۶. جعفری، محمدتقی، *نقد و تفسیر و تحلیل مثنوی*، تهران، بعثت، بی تا.
۱۷. حائری، محمدحسن، *آشنایی با اخلاق اسلامی*، دوم، نشر قدس رضوی، ۱۳۸۴.
۱۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *اثبات الهداة (بالنصوص والمعجزات من الامام...)*، ۳ جلد، چاپ اول، تهران: دارالکتاب الاسلامیه، بی تا.
۱۹. — *وسائل الشیعه*، ۲۹ جلد، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹.
۲۰. حرّانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، ج ۱، چاپ دوم، قم: انتشارات دفتر اسلامی، ۱۴۰۴.
۲۱. حکیمی، محمد، *عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام*، چاپ چهارم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۰.
۲۲. خزاز قمی، علی بن محمد، *کفایة الاثر*، ۱ جلد، قم: انتشارات بیدار، ۱۴۰۱.
۲۳. خمینی، روح الله، *جهاد اکبر (مبارزه با نفس)*، تهران، بعثت، ۱۳۶۱.
۲۴. — *صحیفه نور (مجموعه سخنرانی)*، تهران، سازمان مدارک انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۱.
۲۵. رشیدپور، عبدالمجید، *تربیت از دیدگاه وحی*، سوم، قم، نشر مؤلف، ۱۳۷۰.
۲۶. سلیمان، کامل، *یوم الخلاص (روزگار رهایی)*، ترجمه علی اکبر مهدی پور، ج ۲، چاپ سوم، تهران: آفاق، ۱۳۷۶.
۲۷. سهروردی، شهاب الدین، *مجموعه مصنفات*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲.
۲۸. سیوطی، حافظ جلال الدین، *العرف الوردی*، چاپ اول، دمشق: دار الکوثر، ۱۴۲۲.

۲۹. شفیعی، سید محمد، *پرتویی از مبانی تربیتی. عرفانی امام خمینی*، دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶.
۳۰. صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الاثر*، ج ۱، چاپ اول، قم: سیده المعصومه، ۱۴۱۹.
۳۱. صدر، محمد، *تاریخ پس از ظهور*، اول، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴.
۳۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، *عیون اخبار الرضا*، جلد ۲، تهران: انتشارات جهان، ۱۳۷۸.
۳۳. *کمال الدین و تمام النعمه*، جلد ۲، چاپ دوم، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵.
۳۴. *الخصال*، ج ۲، چاپ دوم، قم: انتشارات دفتر اسلامی، ۱۴۰۳.
۳۵. *الفقیه*، جلد ۴، چاپ سوم، قم: انتشارات دفتر اسلامی، ۱۴۱۳.
۳۶. *امالی*، ج ۱، چاپ چهارم، تهران: کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲.
۳۷. طباطبایی، محمد حسین، *شبیعة در اسلام*، اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۳۸. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، *الاحتجاج*، ج ۱، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳.
۳۹. طبرسی، فضل بن حسن، *اعلام الوری*، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰.
۴۰. طبرسی، محمد بن محمد بن علی، *بشارة المصطفی*، ج ۱، چاپ دوم، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۹.
۴۱. طبری، محمد بن جریر، *دلائل الامامة*، ج ۱، قم: دارالذخائر للمطبوعات، بی تا.
۴۲. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، *التهذیب*، جلد ۱۰، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۴۳. *امالی*، چاپ اول، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴.
۴۴. *کتاب الغیبة*، چاپ اول، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱.
۴۵. طوسی، نصیرالدین، *اخلاق ناصری*، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۴.
۴۶. عمید زنجانی، عباس، *فقه سیاسی*، چهارم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۴۷. قطب الدین راوندی، ابی الحسن سعید بن هبة الله، *الخرائج والجرائج*، جلد ۳، چاپ اول، قم: مؤسسه امام مهدی، ۱۴۰۹.
۴۸. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، *ینابیع المودة*، جلد ۲، چاپ دوم، قم: شریف رضی، ۱۳۷۵.

۴۹. کارگر، رحیم، **آینده جهان**، دوم، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۷.
۵۰. کاظمی، سید مصطفی، **بشاره الاسلام**، چاپ اول، نجف: بی‌نا، ۱۳۸۲.
۵۱. کانت، ایمانوئل، **دین در محدوده عقل تنها**، ترجمه منوچهر صانعی دژه بیدی، اول، تهران، نقش و نگار، ۱۳۸۱.
۵۲. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، **کافی**، ۸ جلد، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۵۳. کورانی، علی و...، **معجم احادیث المهدی** علیه السلام، ۴ جلد، چاپ اول، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱.
۵۴. کی منش، عباس، **پرتو عرفان**، اول، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۶.
۵۵. متقی هندی، علاء الدین علی، **البرهان (فی علامات مهدی آخر الزمان)**، چاپ اول، قم: مطبعه خیام، ۱۳۹۹.
۵۶. — **کنز العمال**، ج ۱۴، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵.
۵۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الانوار**، ۱۱۰ جلد، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۵۸. محمدی ری شهری، محمد، **میزان الحکمه**، ج ۱، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۷.
۵۹. محمود عقاد، عباس، **تفکراز دیدگاه اسلام**، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد، نشر قدس رضوی، ۱۳۷۹.
۶۰. مرتضی مطهری، **تعلیم و تربیت در اسلام**، تهران، الزهراء، ۱۳۶۲.
۶۱. مرعشی نجفی، شهاب الدین، **ملحقات الاحقاق**، ج ۲۹، قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۵.
۶۲. مصباح یزدی، محمدتقی، **خودشناسی برای خودسازی**، سوم، قم، مؤسسه در راه حق، ۱۳۷۰.
۶۳. مطهری، مرتضی، **قیام و انقلاب مهدی** علیه السلام (از دیدگاه فلسفه تاریخ)، چاپ پانزدهم، قم: صدرا، ۱۳۷۴.
۶۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان بغدادی، **امالی**، ج ۱، چاپ دوم، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۶۵. — **الاختصاص**، ج ۱، چاپ اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۶۶. — **الارشاد**، ج ۱، چاپ اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۶۷. مقدّسی شافعی، یوسف بن یحیی، *عقد الدرر (فی اخبار المنتظر)*، چاپ اول، قاهره: مکتبه عالم الفکر، ۱۳۹۹.
۶۸. مک ناوین، دیوید، *بصیرت اخلاقی*، ترجمه محمود فتحعلی، قم، مؤسسه آموزشی امام خمینی، ۱۳۸۰.
۶۹. مکارم، محمدحسن، *مدینه فاضله در متون اسلامی*، اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۷۰. مکارم شیرازی، ناصر، *حکومت جهانی مهدی علیه السلام*، چاپ هشتم، قم: مدرسه امام علی (علیه السلام)، ۱۳۷۶.
۷۱. میرجهانی، سیدحسن، *نواب الدهور فی علائم الظهور*، ۴ جلد، چاپ سوم، تهران: کتابخانه صدر، ۱۳۷۶.
۷۲. نباطی، علی بن یونس، *الصراط المستقیم*، ۳ جلد، چاپ اول، نجف: کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۴.
۷۳. نجفی، شرف الدین، *تأویل الآیات الظاهرة*، قم: مؤسسه الامام المهدی.
۷۴. نراقی، ملامهدی، *جامع السعادات (علم اخلاق اسلامی)*، ترجمه مجتهدی، سوم، تهران، حکمت، ۱۳۶۶.
۷۵. نعمانی، ابی عبدالله محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷.
۷۶. نوری، میرزاحسین، *مستدرک الوسائل*، ۱۸ جلد، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸.
۷۷. نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم، *منتخب الانوار المضيئه*، قم: چاپخانه خیام، ۱۴۰۱.
۷۸. هیئت علمی مؤسسه نهج البلاغه، *موسوعة احادیث امیرالمؤمنین علیه السلام*، ج ۱، چاپ اول، قم: بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۶.
۷۹. یزدی حائری، علی، *النظام الناصب*، چاپ اول، تهران: ۱۳۵۱.